



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۳ شهر ربیع الثانی ۱۳۴۵

جلسه ۲۰

غائبین با اجازه - آقایان: علی خان اعظمی - میرزاسیدمهدی

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدرین

معتمد

تشکیل و صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و ششم مهرماه قرائت

غائبین بی اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی - آتاسید

و تصویب شد.

زین العابدین فومنی - میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر - میرزا حسن آقا آقازاده سبزواری - غلامحسین میرزا سمعود - آقاسید حسن مدرس - دکتر محمدخان مصدق - والی زاده جوان شیر. دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: امیر حسین خان ایلخان - مرتضی قلی خان بیات - میرزا علی حق نویس - میرزا محمد علی خان نظام سافی - شریعت زاده - حیدر قلی میرزا حشمتی - میرزا اسمعیل خان نجومی - میرزا هاشم آشتیانی - لیقوانی - میرزا ابراهیم آشتیانی.

آقای امیر تیمور کلالی راجح به اشاعه اظهارنامه مالیاتی از طرف وزارت مالیه و ابهام سؤالات مندرجه در آن شرحی تقریر و تقاضا نمودند بدولت تذکره داده شود اظهارنامه های سهل و ساده تری ترتیب دهند.

آقای موقر راجح بلزوم بستن سد اهواز شرحی تقریر و آقای رئیس اسامی اعضاء کمیسیون امور خارجه و عدلیه و فوائد عامه منتخبه جلسه قبل را به مجلس اعلام نمودند.

سه فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی راجح برخصی آقایان آقاسید مهدی معتمد. دادگر و حاج آقا رضا رفیع قرائت و نسبت به هر یک جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید.

راپورت شعبه اول درخصوص نمایندگی آقای نصرالله خان اسکندری مطرح و آقای زوار شرح مبسوطی راجح بسوء جریان انتخابات تبریز و شکایات اهالی تقریر و آقای افشار مخبر شعبه اول شرحی دفاعاً اظهار و بالاخره نسبت به نمایندگی آقای نصرالله خان اسکندری رأی گرفته تصویب و نسبت به سه فقره خبر دیگر به نمایندگی آقایان: محمد ولی میرزا و حاج سیرزا آقا فرشی و دکتر رفیع خان چون اظهار مخالفتی نشد جداگانه رأی گرفته تصویب گردید.

ایضاً راپورت شعبه اول راجح به نمایندگی آقای عدل از تبریز مطرح و پیشنهادی از طرف آقای خطیبی مشعر بخروج راپورت مزبور از دستور قرائت و آقای افشار مخبر شعبه اظهار نمودند جریان انتخابات تبریز نسبت به کلیه نمایندگان آنجا یکسان بوده وطوری نیست که راجح به انتخاب ایشان احتیاج به تجدید نظر باشد.

آقای خطیبی پیشنهاد خود را مسترد نموده و آقای آقاسید یعقوب شرحی مشعر به مخالفت و اینکه آقای عدل بحسب مندرجات دوسیه دوتعرفه دریافت نموده اند اظهار و آقای افشار اظهار می نمودند اخذ تعرفه بطور تکرار از طرف ایشان مسلم نیست و اینکه اسم ایشان دو دفعه در دفتر ثبت شده مبنی بر اشتباه منشی انجمن بوده چنانچه این اشتباه نظائر دیگری هم دارد.

آقای بهار پیشنهاد نمودند راپورت مزبور قسمت راجح به آقای عدل به کمیسیون تحقیق ارجاع و پس از رسیدگی نظریه خود را راپورت دهند و پس از قدری مذاکره نسبت به پیشنهاد ایشان رأی گرفته رد و پس از تصویب کفایت مذاکرات نسبت به نمایندگی آقای عدل اخذ رأی شده تصویب گردید.

خبر شعبه اول نیز راجح به نمایندگی آقای جوان شیر از تبریز مطرح و آقای بهار اظهار می نمودند انتخاب ایشان بواسطه نفوذ

غیرطبیعی بوده و بمناسبت مأموریتی که از طرف دولت داشته اند وسائل انتخاب خود را فراهم نموده اند.

آقای یاسائی شرحی از خدمات سابقه و صلاحیت ایشان تقریر و بالاخره نسبت به نمایندگی ایشان رأی گرفته تصویب شد. در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید.

خبر جدید کمیسیون بودجه راجح به مؤسسه رهنی از ماده دوم مطرح و درماده سزبوره آقایان فیروزآبادی و دیبا هر یک اصلاحی پیشنهاد و تصویب نشد، پس از آن نسبت به ماده دوم بضمیمه تبصره با حذف حرف (واو) قبل از عبارت (قابل فروش) و اضافه (بایه) بعد از کلمه (فروش) از طرف آقای مخبر رأی گرفته تصویب شد. درماده سوم آقای احتشام زاده راجح به تأمین حقوق متقاعدین و منتظرین خدمت اصلاحی پیشنهاد و پس از توضیح آقای مخبر مسترد نمودند.

آقای معظمی پیشنهاد نمودند مقدار ودیعه حذف و مبلغ استقراض بجای آن نوشته شود آقای مخبر این پیشنهاد را قبول نموده و آقای یاسائی کلمه ودیعه را برای تطبیق با ماده ۵۷ قانون استخدام کشوری انطباق میدانستند.

دو فقره اصلاح از طرف آقایان امیر تیمور کلالی و یاسائی و یک فقره از طرف آقایان: محمد ولی میرزا سلک آرائی - سیرممتاز و حاج سیرزا آقا فرشی و دو فقره از طرف آقایان روحی و ملک مدنی و یک فقره از طرف آقایان: عدل - فهیمی - و آقاسید کاظم قرائت و نسبت به هر یک جداگانه اخذ رأی شده هیچیک تصویب نشد و نسبت به ماده سوم بضمیمه تبصره رأی گرفته تصویب گردید.

درماده چهارم آقایان: احتشام زاده و ارباب کیخسرو عقیده شان این بود مخارج اداری مؤسسه سزبوره به یک نسبتی از عواید معین شود.

آقای آقاسید یعقوب اظهار می نمودند مخارج مؤسسه سزبوره را فعلاً نمی توان پیش بینی نمود و بدیهی است برطبق این ماده مخارج مؤسسه از میزان صدی نه حق الحفاظه کمتر خواهد بود.

یک فقره اصلاح از طرف آقایان: محمد ولی میرزا ثقة الاسلامی - سیرممتاز و فرشی راجح به تعیین مخارج اداری مؤسسه و یک فقره از طرف آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد و هیچیک تصویب نشد و بقیه مذاکره در این موضوع بجلسه دیگر موکول گردید.

راپورت شعبه ششم راجح به نمایندگی آقای آقا میرزا ابراهیم آشتیانی از خوار و ورامین قرائت و در آن خصوص اخذ رأی شده تصویب گردید.

آقای وزیر مالیه در جواب آقای حاج آقا رضا رفیع راجح به تحمیلات به اتباع ایران در بین السهرین اظهار نمودند در این خصوص بدولت هم جدیداً راپورتی رسیده و اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد.

جلسه آتیه به روز یکشنبه اول آبان ماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور آن راپورت کمیسیون بودجه راجح به مخارج سهرماه و آبان و بقیه شور در قانون تأسیس مؤسسه رهنی مقرر و مجلس

تقریباً یک ساعت بعد از ظهر ختم شد.

در جلسه اول آبانماه قرائت و مخالفی نبود و صورت مجلس

تصویب گردید.

(منشی:)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

(منشی: میرزا حسین خان موقر)

صورت مجلس پنجشنبه ۲۸ مهر ۱۳۰۵ مطابق ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۵

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید (صورت مجلس سه شنبه بیست و هشتم سهرماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

رئیس - آقای کلالی (اجازه)

امیر تیمور کلالی - قبل از دستور.

رئیس - آقای موقر (اجازه)

میرزا حسین خان موقر - قبل از دستور.

رئیس - آقای نویخت (اجازه)

نویخت - قبل از دستور.

رئیس - آقا محمد آخوند

محمد آخوند - قبل از دستور.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - آنجا در صورت مجلس کلمه نوشته بود شاید هم بنده درست تلفظ نشدم که مجلس دودوازدهم بودجه سنه ماضیه در صورتی که باید نوشته شود مطابق بودجه سنه ماضیه گویا کلمه مطابق افتاده است.

رئیس - آن قسمت مجدداً قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

لایحه راجح بپرداخت دودوازدهم بودجه سنه ماضیه.

رئیس - کلمه مطابق اضافه میشود. آقای رفیع (اجازه)

حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - قبل از دستور.

رئیس - آقای زوار (اجازه)

زوار - قبل از دستور.

رئیس - آقای فرشی (اجازه)

حاج سیرزا آقا فرشی - در صورت مجلس اسم والی زاده را جهان شیر نوشته اند در صورتی که ایشان جوان شیر هستند.

رئیس - جوان شیر نوشته شده است بدشیده اید نسبت به صورت مجلس دیگر اعتراض نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای کلالی (اجازه) امیر تیمور کلالی - در ختم جلسه گذشته اوراقی در مجلس بین آقایان نمایندگان که مواد دستورات وزارت مالیه بود منتشر گردید یک فقره از آن اوراق راجح بدستوری است که وزارت مالیه راجح بمیزی صادر کرده است. باینکه بنده اصولاً با مالیات ارضی موافق نیستم و امیدوارم انشاءالله بهمت آقایان نمایندگان محترم مالیات ارضی ملغی و مالیات بهتری بجای آن ایجاد کنیم معهداً

معتمد که بهترین قوانینی که دوره پنجم مجلس شورای ملی برای خدمت بمملکت و جامعه ایجاد کرده است یکی همین قانون ممیزی ملاله است که اگر این قانون بروفق نیات صالحه مقننینش در مملکت مجری گردد تا یک اندازه موجبات آسایش و راحتی فلاحین و رعایای ایرانی بعمل خواهد آمد. در این دستوری که وزارت مالیه صادر کرده مینویسد: از قرار راپورتهای واصله بعضی از ملاکین از دریافت و تسلیم اظهارنامه استنکاف دارند. خوب بود علت استنکاف را معین میکردند. بنده معتقدم که هیچیک از فلاحین و ملاکین از اطاعت قوانین و دریافت اظهارنامه مستنکف نیستند. و ملاکین که در اینجا اداره مالیه مالکین و فلاحین ایرانی را از دریافتش مستنکف اظهار میکنند اوراقی است که بعقیده بنده اگر مهندسین و متخصصین در جه اول هم برای تهیه جواب آن جمع شوند از عهدشان خارج است. این فورم اظهارنامه که وزارت مالیه ترتیب داده است بعقیده بنده برای ممالکی خوب است که جامعه آن صدی صد باسواد بوده اند نه در مملکت ما (ایران) که بدبختانه از صد نود و نه نفر بی سواد و فلاحین وزارت معین خرده مالکند. فلان رعیت بدبخت در فلان گوشه مملکت که با یک زوج گاو زندگی و اسرار معاش و رعیتی میکند از کجا میتواند جواب سؤالات این اظهارنامه را که تعیین مساحت سطح اراضی و پیش بینی مخارج و چندین سؤال بیج در بیج دیگر را بدهد بعقیده بنده این اظهارنامه که وزارت مالیه ترتیب داده است هیچ قابل اجرا و فهم نیست. بنده معتقدم که وزارت مالیه خوب است برطبق ماده هفده قانون ممیزی فقط عایدات چهارساله اخیر سلک را صورت خواسته و اظهارنامه های خود را با سؤالات مختصر و ساده تری ترتیب دهد والا گذشته از اینکه این اظهارنامه ها بهیچوجه قابل اجرا نخواهد بود بعقیده بنده تولید یک مشکلات و زحمات فوق العاده برای مردم نموده و باعث در بدری و پریشانی قسمت زیادی از رعایا خواهد بود. این است که بنده تذکر سید هم علاوه بر اینکه وزارت مالیه بهیچ اسم و رسم حق ندارد برای مردم جریمه تعیین کند خوب است اسعان نظری در روح قانون ممیزی نموده برطبق نیات صالحه واضعین آن رفتار کند

رئیس - آقای موقر (اجازه)

میرزا حسین خان موقر - نظریه اینکه ساده سوم برگرام مشی دولت راجح به بستن سدها است برای آبیاری کردن اراضی بجهت کشت و زرع لذا در این موضوع لازم شد اهمیت بستن سد اهواز را تذکر داده و از مجلس مقدس تقاضا نمایم بذل توجهی در این امر مهم اقتصادی نموده اقداماتی بفرمایند که با سرعت و وسائل ممکنه این تصمیم دولت بموقع عمل گذارده شود. سد اهواز مسئله جدیدی نیست که ضرورت بستن آن محتاج بشرح و بسط باشد زیرا که این

مد در قدیم الایام موجود بوده و صدها فرسخ اراضی مسطح زرخیز خوزستان را آبیاری میکردند است نوعی که محصول آن باندازه وفور داشته که علاوه بر رفع احتیاجات داخلی مقادیر کثیره نیز بمالک خارجه حمل و موجبات ازدیاد ثروت این مملکت را فراهم میساخته است مع التأسف امروزه بواسطه فقدان سد اهالی همین خوزستان محتاج شده اند که قوت لایموت خود را از خارجه تحصیل نمایند. چون دولت تصمیم اتخاذ نموده که راه آهن از خوزستان بشمال ایران کشیده شود چنانچه این سد بسته می شود علاوه بر منافع بی شمار اقتصادی دوفنعمه دیگر نیز تأمین می شود یکی استفاده راه آهن از حمل و نقل محصولی که بعمل خواهد آمد دیگر نجات دادن مملکت از قحط و غلا هر آینه اگر این سد موجود میبود دولت برای جلوگیری کردن از مجاعه سنه گذشته مجبور نمی شد گندم و آرد از خاک هند و حتی ممالک ایتالیا وارد طهران نماید که در تاریخ ایران هیچ سابقه ندارد. بنابراین چه از نقطه نظر اقتصادی و چه از حیث جلوگیری از قحط و غلا بستن سدا هواز اشد لزوم را دارد و رجاء و اتق دارم که آقایان نمایندگان محترم در تعقیب این امر مهم از هیچگونه اقدامی خودداری نخواهند فرمود بعضی از نمایندگان - دستور.

رئیس - از کمیسیونهای معمولی که در جلسه گذشته برای انتخاب آنها رأی گرفته شده است سه کمیسیون استخراج شده است که بعرض مجلس میرسد کمیسیون خارجه عده اش نه نفر معین شده بود. هشت نفر با کثرت تام انتخاب شده اند و یک نفر کسرات و آن هشت نفر از این قرارند آقای پیرنیا ۷۶ رأی آقای دکتر مصدق ۷۶ رأی آقای فیروز میرزا ۶۸ رأی آقای قهیبی ۶۷ رأی آقای غلامحسین میرزا ۶۱ رأی آقای میرزا عبدالله خان وثوق ۵۷ رأی آقای کی استوان ۵۵ رأی آقای بامداد ۴۸ رأی. آقای دیبا دارای ۳۶ رأی بوده اند اکثریت پیدا نکرده اند. کمیسیون عدلیه عده اش دوازده نفر معین شده بود یازده نفر با کثرت تام انتخاب شده اند یک نفر کسرات است آراء مأخوذه ۸۶ آقایان منتخبین: آقای مدرس ۷۳ رأی آقای یاسائی ۷۲ رأی آقای عمادی ۷۱ رأی آقای جمشیدی ۷۱ رأی آقای جهانشاهی ۶۹ رأی آقا سید یعقوب ۶۸ رأی آقا سیرزا ابراهیم اهری ۶۹ رأی آقای حق نویس ۶۶ رأی حاج شیخ بیات ۶۶ رأی آقا سیرزا ابراهیم آشتیانی ۶۳ رأی نظام سافی ۶۲ رأی. آقای دیبا در اینجا هم ۳۹ رأی داشته اند و دارای اکثریت نیستند. کمیسیون فوائد عامه عده اش دوازده نفر بوده است و هر دوازده نفر با کثرت تامه انتخاب شده اند آراء مأخوذه ۸۷ رأی بوده است. اساسی آقایان از این قرار است: آقای عراقی ۷۱ رأی آقای روحی ۷۰ رأی آقای معظمی ۶۴ رأی آقای فرهمند ۶۷ رأی آقای شیروانی ۶۳ رأی آقای زارع ۶۳ رأی آقای آقا سیرزا هاشم آشتیانی ۶۳ رأی آقای امین التجار ۶۷ رأی آقای رئیس التجار ۶۳ رأی آقای عصر انقلاب ۶۱ رأی آقای حاج حسن آقا ملک ۵۵ رأی آقای زوار ۵۰ رأی. استخراج آراء بقیه کمیسیونها مانده است که امروز معین خواهد شد و در جلسه آتی بعرض میرسد نسبت بکسری آن دو کمیسیون هم هموقعی که موافقت فرمائید

آن دونفر باید انتخاب بشوند. خبر کمیسیون عرایض و سرخصی راجع بمرخصی ده روزه آقا سید مهدی نماینده غار و نشاپویه کمیسیون هم تصویب کرده است قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)

آقای سید مهدی نماینده محترم غار و نشاپویه برای انجام کار مهمی از تاریخ ۲۳ مهرماه ده روز اجازه مرخصی خواستند کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید. رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی ده روزه آقای آقا سید مهدی نماینده غار و نشاپویه آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر از طرف کمیسیون عرایض و سرخصی راجع بمرخصی بیست روزه آقای دادگر کمیسیون هم تصویب کرده است

(این طور خوانده شد)

آقای دادگر نماینده محترم سازندگان برای پیش آمد اموری اجازه مرخصی از اول آبان لغایت بیست روز درخواست نمودند کمیسیون عرایض و سرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی بیست روزه آقای دادگر آقایانی که موافقت قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی دوازده روزه آقای رفیع است قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

آقای رفیع نماینده محترم طالبش برای مسافرت لازمی که در پیش دارند اجازه مرخصی از تاریخ اول آبان دوازده روزه درخواست نمودند کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی دوازده روزه آقای رفیع آقایانی که موافقت قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. لازم است تذکر بدهم آقایانی که اجازه مرخصی آنها را مجلس تصویب میکند روز حرکتشان را رسماً با اداره مباشرت اطلاع بدهند و اگر اطلاع ندهند جزء مرخصی محسوب نخواهد شد برای اینکه بعضی از آقایان اطلاع ندادند و اسباب اختلال انتظامات داخلی مجلس شده است. آقای رفیع (اجازه) حاج آقا رضا رفیع - اجازه هائی که روزش معین است از تاریخ فلان تا فلان تصور نمیکنم محتاج بجز دادن باشد.

رئیس - در دوره پنجم هم این طور تصمیم گرفته شد که باید اطلاع بدهند چون ممکن است بعنوان مسافرت اجازه بگیرند و در طهران بمانند این نمی شود. آقای بهار (اجازه)

بهار - آقای مدرس به بنده گفتند که مسافرتشان را اطلاع بدهم این غفلت از طرف بنده شده است یعنی یکروز دیرتر عرض شد و این غفلت از طرف بنده بوده است

رئیس - خبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای نصرت الله خان

من فوق العاده از این مخالفت متأثرم ولی در عین حال چون این مخالفت با مال و آرزوی توده تبریز است قدری در تأثراتم تخفیفی حاصل میشود

بعضی از نمایندگان - این طور نیست زوار - از این بالاتر است. اینک من و تبریز و تنظلمات آنها و وجدانهای پاک و وطن پرستانه نمایندگان محترم ایران. تبریز

سیگوید این انتخابات قانونی نبوده است. بچه دلیل؟ بهزار و یک دلیل. اول برخلاف ماده چهارده قانون انتخابات بجای علماء دونفر از ملاکین دعوت کرده اند. البته این دعوت کاملاً مطابق با مقصود

آقایان بوده است (کبوتر با کبوتر باز باباز) غیر از ملاکین کسی با آنها مساعدت نداشت و انجمن نظار مرکزی تبریز تصدیق میکند و میگوید در سوتق انعقاد انجمن این اعتراض را نکردند معلوم میشود

شهرت و کالت در اعضاء انجمن نظار هم تأثیراتی داشته است که از شدت غرور نتوانسته اند تشخیص بدهند که باید شکایت بعد از

اتمام عمل بانجمن برسد. دویم میگویند در جزو مدعوین سی و شش نفر یکی محکوم بجنایت و دیگری متهم بقاتلی است که یکی از آزادیخواهان را کشته و با تحسین در سنزل یکی از مجتهدین

وسائل استخلاص خود را فراهم کرده بدیهی است علت عدم دعوت دونفر از علماء هم این ادعا را ثابت میکند زیرا که عالم روحانی مقامش شایخ تر از آن است که باجانی یا باقاتل هم دوش بشود.

سوم میگویند در جزو مدعوین اشخاصی بودند که ترك تابعیت ایران را نموده و تبعیت روس تزاری را رسماً قبول و چهار سال رسماً

سالیات خودشان را بقونسولگری روس پرداخته اند که تراکت اجازه نمیدهد اسم آنها را بیرم و دوسیه آنها هم در دواثر دولتی موجود است که سالیات خود را بقونسولگری پرداخته اند. عجب در اینجا

است انجمن نظار که مطابق میل آقایان تشکیل شده بوده است در جواب این اعتراض بکلی ساکت البته سکوت هم بمعنی رضا است.

قضاوت وجدانی این ماده چهار بانمایندگان وطن پرست است که آیا تبریزی که هنوز لباس عزای شهدای راه آزادی و استقلال ایران در

بر مادر و پدران داغ دیده و عروسان ناکام آذربایجانی موجود است اتباع و بیاتحت الحمایه روسهای تزاری آن تزاری که سلجاء و پناهگاه

سیصد میلیون نفوس اسلام گنبد اعلیحضرت ناسن الاثمه را. باقیام استماع فرمائید (عده قیام نمودند) گنبد اعلیحضرت ناسن الاثمه را بپوش بست میتواند تن باین مذلت بدهد یا نه؟ چهارم میگویند

مطابق ماده ۱۷ قانون انتخابات هر محل باید در تحت نظارت حاکم محل جریان یابد و بعضی از حومه های تبریز از قبیل هشتگرد و بلوکات ثلاث و عجب شیر و الان بر آغوش حاکم قانونی نداشته

است. مقصود از ذکر حاکم در قانون انتخابات مأسوری است که دولت او را برسمیت بشناسد نه والی ایالت. البته حاکم را باید ایالت معین کند ولی با سعرنی بوزارت داخله. حاکمی که شامل قانون استخدام نیست و وزارت داخله او را نمی شناسد او حاکم نیست بلکه مأسوری است که رأی برای آقایان آنها بقندانق تفنگ یا بضرط شلاق رأی تحصیل کند اگر وزارت داخله سالار عشایر حاکم هشتگرد و ارشد همایون حاکم بلوکات و بهاء السلطان حاکم

اسکندری از تبریز مطرح است. آقای زوار مخالف بودند. زوار - اولاً لازم است برای رفع هرگونه سوء تفاهم عرض کنم که بنده، مخالفتم با آقایان بر روی حب و بغض شخصی نیست

خودشان شاهدند که این اولین دفعه ایست که خدمت آقایان آنها در مجلس شورای ملی میرسم و فقط برای قانون خواهی و حفظ حقوق یک مملکتی که اسم آن تبریز است مخالفت میکنم.

بعضی از نمایندگان - ایالت است بعضی از نمایندگان - (باهومسه) این طور نیست. زوار - بعد از عرض عرایض دنیا حکمیت خواهد کرد که

این طور است. فقط یک تذکر دیگر میخواهم با آقایان عرض کنم که قدری حوصله فرمایند اگر عرایض مطابق قانون نبود آنوقت بگویند این طور است یا این طور نیست و برای کافی بودن مذاکرات هم یک

تأسی فرمایند برای اینکه بتجربه فهمیده شد موقعی که بعضی اعتباراتها میگذاشت (مذاکرات کافی است) یک خورده سوء تفاهم تولید میکرد. و بنده آنطور که عرض کردم مجزی نکردم تبریز را از

ایران. تبریز جزء لایتجزی و لاینفک ایران است و حق خودش را از تمام نمایندگان محترمی که آنها را وطن پرست میدانم میخواهد آنها

بترجمانی بنده ضعیف حالاً گوش کنید. مخالفت بنده با اعتباراتها یا برای سوء جریان انتخابات است یا بملاحظه عدم صلاحیت منتخبین

بعقیده بنده اصلاً عدم صلاحیت سوء جریان انتخاب را تولید میکند زیرا اگر نماینده برای نمایندگی اهالی صالح باشد هیچوقت احتیاج به تشبث نامشروع نخواهد داشت. اگر اهالی بان نماینده اعتماد

داشته باشند هیچگاه احساسات ضد انتخاب در اهالی تولید نخواهد شد و آن نماینده محتاج نخواهد بود که از روی احساسات خفه شده و از روی قانون انتخابات رد شده در عداد نمایندگان قرار بگیرد.

بعضی از نمایندگان - تشبث غیر مشروع نشده است توهین نکنید. حاج حسن آقا ملک - دارند اصولاً صحبت میکنند چرا نمی گذارید حرفشان را بزنند.

زوار - اگر خارج از موضوع باشد زنگ آقای رئیس جواب خواهد داد. البته ایراد خواهید کرد که تشبثات در انتخابات مشروع است بنده هم عقیده دارم ولی تشبث مشروع مثل اینکه

در سوتق انتخابات در تمام دنیا بعمل میآید از قبیل پروپاگاندا و کنفرانسها ولی در حدود قانون. قانون را زیر پا گذاردن و احساسات یک ملت را بوسیله تهدید خفه کردن و دست رنج خود ملت را

برضد خود او مصرف کردن تشبث نمی گویند باید فکری کرد و برای او یک لغنی پیدا نمود. من ولی یک دقیقه حالاً واستقبالا از متخیله خود خطور نمی دادم که روزی خواهد آمد صدای تبریز، آن مهد

آزادی، آن تبریزی که بشهادت تاریخ یک حق عظیمی برای خود در قسمت حصول آزادی و مشروطیت ایران تثبیت کرده و بجای

آهک و آب باخون جوانهای رشید خود عمارت این مجلس را استوار کرده است حتی در خود تبریز هم بلند شود که آزادی ما را در انتخابات از ماسلب کردند چه برسد که بترجمانی این عضو ضعیف خود بعرض عموم نمایندگان وطن پرست آزادی خواهد برسانند.

الآن برآغوش را برسمیت شناخت من هم از طرف تبریز این ساده را پس خواهیم گرفت و الا تمام انتخابات را باطل میدانم و باز در این خصوص انجمن نظار مرکزی حسب الامر آقایان ساکت و یازسکوت سرجوب رضاست. پنجم میگویند مطابق ماده ۱ قانون مدعورین باید باسواد باشند حاجی محمدباقر ملکی و حاجی سلمان لاله در تبریز و حاجی میرعلی اکبر ایرانی در مهرانه رود - شهدی رسول گنجی و حاجی ابراهیم تکمه تاش در اوجان عباس و حاجی حمدالله و حسینقلی خان در قوری جای - شهدی قاسم خلجانی و شهدی رسول اسفهلانی در سرد صحرا - حاج داود در اسکوحاجی علی شیشه وانی در عجب شیر بی سواد بودند. بالاخره انجمن نظار از تصدیق ناگزیر شده است. اگر در سایر حومه ها اعضا انجمنهای فرعی سوادشان اینقدر بوده که میتوانستند امضای خود را بنویسند ولی مال سرد صحرا بکلی بی سواد بودند باز خدا پدران انجمن نظار و شعبه چهار را بیاسزد که به بی سوادی چند نفر قائل شده اند ولی نپیدانم این حروف تهجی چه دشمنی سابق یا تبریز و ملیون داشت که در ظرف پانزده ساعت پس از انقضای مدت شعب سابق شعبه اولی با نهایت چالاکی از آقایان موافقین تشکیل و با ترقیم عبارت ذیل در جزو راپورت خود (که شعبه بالتفات باینکه وجود یکنفر بی سواد در یک شعبه و دونفر در شعبه دیگر که هر یک مرکب از نه نفر بودند ممکن است از روح کمال و تشریفات قانون بکاهدولی مؤثر در موضوع نشود بنابراین شعبه این اعتراض را وارد نمیداند) روح قانون خواهی انجمن نظار تبریز را زنده فرموده.

بعضی از نمایندگان - (با همه) این طور نیست باعضاء شعبه توهین می کنید.

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - شعب بحکم قرعه انتخاب میشوند

زوار - ششم میگویند حاجی علی شیشه وانی که عضو انجمن فرعی بوده خودش حاضر نشده چون دیده است قانونی در کار نیست و بی سواد هم بقول شعبه اول بروح قانون صدمه رسانده بلکه روح آقایان منتخبین را تقویت سینماید لهذا پسرش را بجای خود فرستاده و یکروز در عجب شیر موقعی که آراء قرائت میشده بجای خود فرستاده است و انجمن در صورت مجلس در ماده هشت تصدیق میکند ولی شعبه اول در این خصوص بکلی سکوت اختیار فرموده. تبریز میگوید من اقلاً دارای سیصد و پنجاه هزار نفوسم و اهمیت خود را در مواقع مهمه راجع به پیشرفت اصول مشروطیت بمعرض نمایش گذارده ام مخصوصاً از این عده نفوس شایسته بشفش در راه مشروطیت فداکاری کرده اند. آقایانی که قائل با کثرت خود از شهر تبریز بنام نمایندگی تبریز هستند چه شده است که بیش از یک هزار و سیصد رأی در شهر تبریز نتوانسته اند برای خود حاضر کنند و در اطراف که بیچاره ها همیشه بعقیده فروشی و خنه شدن احساسات مجبور هستند دارای هر کدام ده هزار رأی شدند؟! بالاخره تبریز در یک بیانیه که در دوسیه ضبط است فریاد میزند. اگر آقایان نمایندگان محترم قضاوت عادلانه نکنند من مظلومیت خود را بعموم اعلام خواهم کرد. من بوجد انهای پاک همکاران

معظم خودم کاملاً اطمینان دارم که اهمیت و موقعیت تبریز در هر موقع در نقشه خیال پاکشان مجسم و روح شفقت را بملیون تبریز و حس قدردانی را بارواح شهدای آزادی عملاً نشان خواهند داد. امروز خورشید شرافت و وطن پرستی را می بینم که انوار خود را از مجلس شورای ملی به تبریز فرستاده و قلوب ما یوس ونا امید ملیون را سنور میکند. بنابراین اول از سوء جریان انتخابات شروع کرده و اسیدوارم با این مدارک احتیاج پیدا نخواهم کرد بطوری که بدواً عرض کردم در عدم صلاحیت داخل در مذاکره باشم. رفقای معظم من: پائین میآیم از پشت کرسی نطق در صورتی که حقایق برجسته و مظلومیت تبریز را بعرض رساندم. بخلاف ملیون تبریز که ما یوس هستند من با تجربیات زیاد از وجدانهای وطن پرستانه کاملاً اسیدوار هستم که حاضر نخواهد شد و لو یک دقیقه تبریز از شماها برنجد. زیرا بشما که آزادی خواه هستید خدمات جانی و مالی کرده است.

افشار مخبر شعبه اول - آقای نماینده محترم در بدو شروع با اعتراضات خود فرمودند من از نظر حب و بغض مخالفت نمیکنم. تصور نمیکنم در مجلس هم کسی باشد که از نظر حب و بغض مخالفت با اعتبارنامهها بکند. ترتیب مخالفت با اعتبارنامه را نظامنامه معین کرده است یا از نظر سوء جریان انتخاب و یا از نظر عدم صلاحیت منتخب است بنده خیلی متأسف هستم که اصول خطابه خواندن در پشت تریبون مجلس تدریجاً دارد معمول میشود و این ترتیب خیلی رویه نامطلوب ویدی است.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

افشار - برای اینکه وقت مجلس و آقایان و همه تلف میشود زیرا بعضیها می خواهند بگویند ما مطالب را روی کاغذ بطور غراء مینویسیم و میخوانیم (در قسمت اعتراضات) آقا آذربایجان را یک مملکت فرض کردند. خیر آذربایجان یکی از ایالات مملکت ایران است و یکی از ایالات ذی علاقه بمرکز است و مثل سایرین ایرانی بوده و هیچوقت استقلالی نخواست است و هر کس عنوان مملکتی به او بدهد تصور میکنم اشتباه کرده است. و اینکه مکرراً گفتند تبریز این طور میگوید اگر میفرمودند تبریزی این طور میگوید بنده هم موافقت میکردم. تبریز این طور نمیگوید. تبریز این اعتراضات را نمی کند. ممکن است تبریزی (کربلایی حسین آقا) و تیپ ایشان این اعتراضات را بکنند. در آذربایجان اگر این آقایان اکثریت نداشتند. اگر توده ملت و مردم بمنتخبین خود علاقه نداشتند با شانزده هزار رأی آنها را انتخاب نمی کردند اعتبارنامه بدست ایشان نمیدادند و آن اعتراضاتی که من و جنابعالی در دوسیه دیدیم اگر مراجعه با سهار آن اعتراضات بکنیم بعد از آنکه تکرار مهرها را از بین برداریم خواهیم دید که عده معترضین از بیست و پنج نفر تجاوز نمی کنند آنوقت جنابعالی هم آن بیست و پنج نفر را تبریز و آذربایجان و مملکت و ملت حساس و بالاخره مجلس روی خون آنها بنا شده است نمی فرمودید.

حاج حسن آقا ملک - حرف حسابی را یکنفر هم نمیتواند بزند.

رئیس - آقا بی اجازه حرف نزنید.

افشار - اینکه فرمودند دو نفر از اعضا انجمن نظار یکی

محکوم بوده و دیگری جانی هیچ مدرکی برای اعتراض خود ارائه ندادند. مادام که یک مدرک در دوسیه و در پیش جنابعالی نیست نمی توانید بصراف ادعا و اعتراض بگوئید که فلان آدم جانی و قاتل است.

زوار - دوسیه اش در مجلس شورای ملی و نظمییه هست.

رئیس - بر طبق ماده ۱۱۲ نظامنامه بدون اجازه حرف سیزید بشما اخطار میکنم.

افشار - اینکه فرمودید در قسمت نظار مراعات از طبقه علماء نشده است. دونفر از مدعورین که یکی آقای محقق العلماء که اسم و لقبش دال بر این است که ایشان از طبقه علماء و دیگری حاج کاظم آقا محمدزاده است و اگر میفرمائید داشتن ملک از یکنفر شخص روحانی سلب جنبه روحانیت میکند؟ قضاوت این امر با مجلس شورای ملی است اگر مجلس تصدیق کرد بنده هم با شما موافقت میکنم ولی شما باید بدانید که داشتن ملک برای یکنفر روحانی سلب مقام روحانیت از او نمی کند.

زوار - اجازه میفرمائید؟

رئیس - در دفعه ثانی به شما اخطار میکنم با قید در صورت مجلس و در دفعه سوم اگر اظهاری بکنید با رأی مجلس شما را از تکلم ممنوع میکنم دست بلند کنید منشی اینجا مواظب است ثبت میکند.

افشار - فرمودید بعضی از آقایان مالیات خودشان را بدولت تزاری داده اند مدرکی نشان ندادید در صورتی که اسمی هم از اشخاص نبردید. بنده در رد اعتراضات آقا مدارکی داشتم که اگر اسم میبردند ممکن بود به آقا نشان بدهم هیچیک از افراد هیئت نظار و منتخبین تبریز تبعه خارجه نبوده اند و همه شان ایرانی خالص و پاک و پاک نژاد بوده اند و اقتضای عضویت پارلمان را هم پیدا نموده اند. فرمودید بعضی از اعضا شعبه بی سواد بوده اند. بنده خودم در راپورت چاپی شعبه این نکته را متذکر شده ام که فقط در دو قسمت سه نفر از دو شعبه فرعی بی سواد بوده اند و اکثریت آنها سواد داشته اند. اگر آقا به قسمت ساده چهارم نظامنامه انتخابات مراجعه فرمایند در آنجا تکلیف این مسأله تقریباً معین شده است قسمت داشتن سواد را البته نظامنامه قید میکند ولی شعبه را که هشت نفر با سواد و یکنفر بی سواد تشکیل داده است البته ناقص و باطل نخواهد بود بلکه یکی از تشریفات قانون در این قسمت مراعات نشده و خود نظار هم این قسمت را متذکر شده اند و اگر آقا دیروز بیشتر از نیم ساعت در شعبه بدوسیه مراجعه میفرمودند تصدیق میفرمودند که انتخابات تبریز یکی از بهترین انتخابات و دوسیه اش بقدری مرتب است که کوچکترین اعتراض را هم در دوسیه ضبط کرده اند. فرمودند بعضی از حکام مشمول قانون استخدام نبوده اند در صورتی که این اعتراض به وزارت داخله متوجه است نه به هیئت نظار. وزارت داخله این اشخاص را حکام قانونی دانسته و در موقع جریان انتخابات جلوگیری از آنها نکرده. عدم جلوگیری وزارت داخله از حکام شعبه فرعی دال بر این است که وزارت داخله آنها را برسمیت شناخته است والا وزارت داخله بیشتر از بنده

و جنابعالی مراقب انتظامات داخلی امور خودش میباشد و ثانیاً عدم شمول قانون استخدام در قسمت حقوق مؤثر است نه در قسمت عمل. در صورتی که اینها مشمول قانون استخدام هم بوده اند و مداخلاتی هم که فرمودید بهیچوجه در انتخابات نکرده اند. در موضوع اعمال نفوذ هم بنده تصور میکنم اعمال نفوذ را از هیچکس نتوان ساقط نمود وقتی که آدم حراف و نطالق است بواسطه نطق و بیان خودش ممکن است اعمال نفوذ کند. شخص روحانی ممکن است از جنبه ورع و تقوی خودش استفاده کند. شخص متمول از تمول. وطن پرست از وطن پرستی خودش. جنابعالی هم که سنگ تبریز را بسینه سیزید میخواهد از همین جنبه در تبریز استفاده کنید. بالاخره جلوگیری از استفاده ممکن نیست و این استفاده هم مشروع است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای نصرت الله خان اسکندری از حوزه تبریز و توابع آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع به نمایندگی آقای محمد ولی میرزا است آقای زوار مخالف بودند.

زوار - عرضی ندارم.

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای محمد ولی میرزا از حوزه تبریز و توابع آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع به نمایندگی آقای فرشی آقای زوار مخالف بودند.

زوار - عرضی ندارم.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا. (اجازه)

محمد ولی میرزا - موافقم.

رئیس - رأی میگیریم به نمایندگی آقای حاج میرزا آقا فرشی از تبریز و توابع آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. نسبت به نمایندگی آقای دکتر رفیع خان هم گویا آقای زوار مخالف بودند.

زوار - اجازه میفرمائید توضیحی عرض کنم؟

رئیس - بفرمائید نوبت خودتان است.

زوار - عرض کنم آقای دکتر رفیع خان از حیث ایرا نیت در درجه اول واقعد و بقدری آبرومندند که گمان میکنم در خطه آذربایجان کسی مثل ایشان نباشد از نظر صحی هم خدمات بهی نسبت به مملکت کرده اند. علت مخالفت بنده با ایشان برای سوء جریان انتخابات تبریز بوده است حالا که اکثریت محترم مجلس شورای ملی اعتبارنامه سایر نمایندگان تبریز را تصویب کردند بنده هم هیچ مخالفتی با ایشان ندارم فقط مخالفتم از سوء جریان انتخابات بود والا کاملاً با ایشان موافقم.

رئیس - پس مخالفتی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر.

رئیس — رأی میگیریم به نمایندگی آقای دکتر رفیع خان از تبریز و توابع آقایانی که سرافتند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر دیگریست راجع به نمایندگی آقای عدل پیشنهادی شده است که از دستور امروز خارج شود. آقای خطیبی توضیح بدهید.

خطیبی — چون بعضی از آقایان نمایندگان راجع به آن دوسیه مشغول مطالعاتند و هنوز مطالعاتشان تمام نشده است بنده از این نظر بود که پیشنهاد کردم امروز از دستور خارج شود تا مطالعات آقایان تکمیل شود. حالا بسته است به نظر مجلس شورای ملی.

افشار — اجازه میفرمائید. آقای عدل دوسیه مخصوص ندارند. دوسیه همان دوسیه است و جریان انتخابات هم یکی بوده است معهدا باز بسته است به نظر آقایان.

رئیس — مسترد میکنید؟

خطیبی — بلی پس میگیرم.

رئیس — آقای سید یعقوب. (اجازه)

آقای سید یعقوب — هر کس از آقایان میخواهد و اگر تمام هم میخواهد اجازه بگیرد بگیرد اهمیت ندارد در واقع شما امروز زوار را خنه کردید ولی بنده عرایضم را عرض میکنم و از مجلس هم خارج میشوم. یک نفر که میخواهد حرف بزند بقدری فشار میآورد که نمیگذارید حرفش را بزند از هر طرف در بین صحبت زوار به او فشار آوردید. اکثریت اقلیت را در موقع اخذ رأی از بین میبرد. مایاید اصل مشروطیت را حفظ کنیم. راجع با آقای عدل بنده نظر بدی ندارم و هیچ داخل عملیات و سابقه اشخاص نمیگویم نظر بنده بهین راپرتست که همین شخص محترم داده است و یک چیزی در آنجا نوشته شده است. بنده از مجلس سؤال میکنم این قانون سجازاتی که در دوره پنجم گذشت و رفت بدست دولت آیا بایستی بموقع اجرا گذاشته شود و در تمام مملکت جاری شود یا نه؟ اگر یک نفر از اعضاء هیئت تقنینیه یا اعضاء دولت مشمول یک ماده از این قانون سجازات واقع شوند آنوقت اکثریت مجلس که ما هستیم باید بیائیم و باورای بدیم و این ماده قانون را از بین ببریم؟ بنده از مجلس سؤال میکنم که در ماده هشتم قانون سجازات یک چیزی مینویسد حالا من عنوان عبارت آنجا را عرض نمیکنم و غلط میکنم که بگویم تقلب ولی در صورت مجلس نوشته شده که در روز سیزدهم اردیبهشت آقای عدل آمده است در انجمن و یک تعرفه گرفته است در روز چهاردهم هم آمده است در انجمن مرکزی و یک تعرفه دیگر گرفته است انجمن هم در تحت همین مسئله اعتبارنامه با آقای عدل نداده است این است مسئله. قضاوت با خودتان است سیل هم میل خودتان است.

سخنر — عرض میکنم اگر سراجعه بصورت مجلس بشود همه آقایان تصدیق خواهند فرمود که دوسیه انجمن نظار تبریز راپرت جریان انتخابات را بر مکز داده و در جراند هم درج شده است در تبریز هم شعبه فرعیه نبوده که قائم مقام یک تعرفه از این شعبه بگیرد و یک تعرفه از آن شعبه بعلاوه شخص قائم مقام هم در تبریز آدم

نمایند معذک در این قسمت بخصوص نصاحت ایشان چندان مفید واقع نشد و تصور نمیکنم توانسته باشند در این قسمت جواب صحیحی داده باشند. قضیه دو تعرفه گرفتن از طرف یک نفر و کیل و بالاخره مورد اعتراض هیئت نظار محل واقع شدن به حدی که اعتبارنامه هم به ایشان ندهند موضوعی نیست که به این مختصری بشود از آن صرف نظر کرد و باید در این قسمت مطالعات زیادتری بشود و بالاخره اگر مجلس رأی میدهد فهمیده و دانسته رأی بدهد زیرا ما نمی توانیم در عین حال از یک طرف یک قسمت از تصدیقات انجمن نظار را در مقابل اعتراض مخالفین مورد توجه قرار بدهیم و از طرف دیگر اظهارات همان انجمن نظار را مورد اعتنا قرار ندهیم و بگوئیم منشی اشتباه کرده دیگری این کار را کرده است اینها منطقی نیست مجلس هم نمی تواند اینها را قبول کند عقیده بنده این است سابق بر این هم گفته اند که یک و کیل را نمی شود به سهولت رد کرد چون این یک عمل فحیحی است و باید با دقت در آن وارد شد و حتی به عقیده بنده باید مجلس کاری بکند که در مقابل این عمل واقع نشود لهذا از نقطه نظر اینکه این اعتراض یک اعتراض صحیح و متینی است و اسنادی هم در دست هست که مهمترین آنها تصدیق انجمن نظار مجلس است از آن طرف هم نبودن اعتبارنامه در دست نماینده دلیل قطعی است که انجمن این مسئله را قابل توجه دانسته است و از طرفی هم رد کردن یک نفر نماینده به عجله صحیح نیست و قبول کردن یک نماینده هم با این اعتراضات خوش نما نیست. بنده پیشنهاد کردم که سوابقی که در مجالس چهار و پنج بود و خوب یادم است کمیسیون تحقیق تشکیل شود و این قسمت از دوسیه تبریز که مربوط به آقای عدل است به آن کمیسیون مراجعه بشود تا در ثانی تحقیقات کاسلتری نموده و اگر محتاج بشوند توسط وزارت داخله از ایالات آذربایجان سؤالاتی نموده و ثانیاً به هیئت نظار مراجعه نمایند (اگرچه آنها متفرق شده اند ولی بالاخره برای توضیح مطلب و دادن جواب باید حاضر شوند) و تحقیقات در اطراف مسئله بشود و حالا که مجلس شورا ملی می خواهد در قضایا خود را قاضی عادل نشان داده باشد لااقل این قضاوت با تمام معنی صورت گرفته باشد.

رئیس — آقای عدل توضیحاتی دارید بفرمائید.

میرزا یوسف خان عدل — بنده به طور اختصار عرض میکنم.

اگر نداشتن اعتبارنامه سبب میشد که دیگران هم یک اعتراضاتی بکنند شاید ولی آقای ملک خودشان هم اعتبارنامه نداشتند. بنده در تبریز یک آدم غیر معروفی نبودم. همه مرا می شناسند. بنده علاوه بر آنکه تبریزی هستم سالها رئیس بلدی، رئیس نظمی، معاون ایالات و قریب یک سال هم عهده دار ایالت بودم بنده بنده ممکن نشده است وارد یک مجلس بشوم و بنده را کسی نشناسد گذشته از آن در صورت مجلس آقایان ملاحظه فرموده اند که نوشته غیر از و نفر اعضاء انجمن که دائماً آنجا حاضر بوده اند و گذشته از اعضاء غیر رسمی منشی و پیشخدمت که دائم مراقبت در امور انجمن داشتند خود انجمن از ایالت خواهش کرده بود که

چهار نفر صاحب منصب نظمی در آنجا مراقبت تعرفه گیرندگان باشند و اشخاصی که وارد و خارج میشوند دوسر تبه تعرفه نگیرند. بنده در روز اولی که تعرفه میدادند و صندوق را بسته بودند و ایالت دعوت کرده بود و صندوق را مهر کردند بنده در همان روز نمره پنج تعرفه گرفتم و در نمره ۶ که چهار نمره بعد از بنده است یک اشتباه بزرگی رخ داده و منشی انجمن باسم ضیاء الدوله تعرفه نوشته که عین آن در دوسیه موجود است و این شخص صاحب منصب نظمی است و اصلاً در تبریز حاضر نبوده و بعلاوه نظمی حق اخذ تعرفه ندارد فردای آنروز هم من آمدم به انجمن و با یکی از اعضاء کار داشتم برادر هم همراه بود وقتی که منشی به اشخاص تعرفه میداده ممکن است اشتباه اسم بنده را هم نوشته باشد و دلیل بر این هم این است که در آخر قرائت آراء ۵۵ ورقه کسر آمده و حال آنکه برخلاف قانون سابق اخذ تعرفه و دادن رأی در یک روز بعمل میاید آنوقت این کسر از کجا پیدا شده. معلوم است که اشتباه شده. من جمله یکی از آن اشتباهات نوشتن اسم بنده بوده است. و اما اینکه آقای بهار فرمودند به من اعتبارنامه نداده اند به بنده ورقه تصدیق داده اند و فقط این مسأله را واگذار کرده اند به نظر مجلس شورای ملی در شعبه هم آقایان کاملاً رسیدگی کردند شانزده هفده نفر در آنجا بودند همه هم الان حاضرند از خودشان سؤال میکنم که بنده مکرر خواستم راجع به قسمت تعرفه توضیحاتی بدهم گفتند خیر این چیز اهمیت داری نیست که توضیح بدهید. این بود اصل مطلب.

بهار — اجازه میفرمائید توضیحی عرض کنم.

رئیس — بفرمائید.

بهار — اینکه آقا فرمودند که بنده اعتبارنامه ندارم خیلی اسباب تأسف بنده شد زیرا بنده اعتبارنامه دارم و بعلاوه انتخابات طهران با انتخابات آذربایجان طرف مقایسه نیست و تمام ملت طهران با پیشانی باز به انتخابات خودشان خاتمه دادند و اگر هم اعتراضاتی شد در مجلس به این قسمت بود که شما هم متذکر شدید که چرا اعضاء انجمن نظار به نمایندگان اعتبارنامه خطی داده و چاپی نداده اند والا در اصل انتخابات هیچ جای تردید نبود و راجع به کمیسیون تحقیق هم که عرض کردم برای این بود که بیشتر تحقیقات بشود و معلوم شود که حق با حضرتعالی است یا نه؟

سخنر — همانطور که به سایرین اعتبارنامه داده شده است نظیر همان اعتبارنامه هم به آقای قائم مقام داده اند حتی در دادن اعتبارنامه غیر چاپی نگفته اند که از این نقطه نظر به ایشان اعتبارنامه خطی میدهم ثانیاً ایشان بیشتر از تمام نمایندگان آذربایجان رأی داشته اند و احتیاج نداشته اند که بروند و یک رأی اضافه بدهند.

رئیس — رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بهار که دوسیه انتخابات تبریز قسمت راجع به آقای عدل به کمیسیون تحقیق ارجاع شود آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
آقای سعید یعقوب - خیر کافی نیست بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

رئیس - بفرمائید.

آقای سعید یعقوب - عرض کنم راجع به کفایت مذاکرات که آقایان میفرمایند. پس جواب قانون مجازات چیست؟ انجمن نظار که بمنزله محکمه ابتدائی است این حکم را کرده است که ایشان دو ورقه گرفته اند پس ما راپرت محکمه ابتدائی و با تصریح به این مطلب که از این نقطه نظر ما به ایشان اعتبارنامه نداده ایم چگونه به کفایت مذاکرات رأی میدهیم.

رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای عدل از تبریز و توابع آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع به نمایندگی آقای والی زاده از تبریز مطرح است آقای بهار مخالف بودید بفرمائید.

بهار - مراد بنده از مخالفت با راپرت والی زاده هم قسمت شخصی نبود چون شخص ایشان چندین سال است با بنده آشنا هستند و شخص ایشان را یکنفر آزادی خواه میدانم و به شخص ایشان هم هیچ اعتراضی ندارم و چون روز گذشته دیرتر به مجلس وارد شدم و قسمت ابتدائی راپرتها طرح شده و موکول بجلسه بعد شده بود میخواستم در همان موقع اظهار مخالفت بکنم تا آنکه بلکه در این قسمت بتوانم از آقایان نمایندگان استرحام کنم که یک دقتهایی بفرمایند ولی در حال حاضر که به غالب راپرتهای تبریز رأی داده شده بنده لازم ندانستم دیگر در قسمت دوسیمه و مفاسد اساسی انتخابات تبریز و آن قسمتهائی که در موقع اظهار آنها آقایان مهمه کردند صحبتی بکنم و به قول آقای آقا سعید یعقوب نماینده را تحت فشار گذاردن و بالاخره در موقع دادن جواب به استدلال و منطق متکی نشدن این قسمتها را مسکوت میگذارم زیرا مجلس با شنیدن اعتراضات بصحت انتخابات آذربایجان رأی داد در اینصورت دیگر جای اعتراضی باقی نیست ولی در اینجا چون اجازه خواسته ام میخواهم یک استقاده بکنم. در قسمت شخصی یعنی اداری آقای والی زاده جوان شیرو عقیده که سالها داشته ام و در مجلس چهارم و پنجم هم تعقیب کرده ام و در این مجلس هم اگر آقایان موافقت کنند باید در اصلاح قانون انتخابات تعقیب کنیم انشاء الله این قسمت را به عرض میرسانم و آن راجع به انتخابات روسای دوایر محلی است. بنده از اشخاصی هستم که مکرر عرض کرده ام و این عقیده هم جزو عقاید قطعی بنده است. در انتخابات باید نفوذهای طبیعی را محترم شمرد و به نفوذهای طبیعی باید وقع گذاشت و احترام کرد و آنرا مشروع دانست نه نفوذ غیر طبیعی را و برای تجزیه نفوذ طبیعی و غیر طبیعی مکرر عرض کرده ام و حالا هم

میشد برسمیت بشناسند. و خیالی متأسف هستم که این قسمت سابقه پیدا کرده است و مجلس های ملی این قسمت را شناخته اند. در دوره گذشته هم که در جزو قانون انتخابات بنده اینجایک پیشنهادی کردم که تمام رؤسای دوایر محلی از حوزه مأموریت خودشان وکیل نشوند. مجلس قبول نکرد و بدیخت رؤسای مالیه دم چنگ مجلس افتاده و از بین رفتند و سایر رؤسای ادارات مخصوصاً رؤسای تلگرافخانهها آزاد ماندند و میدان وسیعی برای اعمال نفوذ خودشان پیدا کردند چنانچه یک روز آقای مدرس در خارج فرمودند ممکن است در دوره هفتم تمام و کلای مجلس رؤسای تلگرافخانهها باشند اعتبارالدوله - انشاء الله.

بهار - انشاء الله (کل یجرالنار الی قرصه) تمام رؤسای دوایر میل دارند که همه رفقای خودشان وکیل شوند و این قضیه پیشرفت پیدا کند ولی بنده به آقایان عرض میکنم که وکیل ملت کسی است که با نفوذ طبیعی وکیل شده باشد یعنی ملت در وجود او چیزی دیده باشد که برای خودش مفید دانسته باشد والا اگر ملت بواسطه نفوذ غیر طبیعی بکسی محتاج شد و بملت تحمیلاتی شد و یک شخص وکیل شد این را بعقیده بنده نمیتوان یک انتخابات صحیحی دانست. چنانکه ملاحظه میفرمائید یک قسمت زیادی از اهالی تبریز و بالاخره آذربایجانیهای ساکن مرکز چندین ماه است داد و فریاد می کنند و اظهار عدم رضایت می کنند و بالزوم رعایت آذربایجان از هر حیث معهدا این تضرعات آنها طرف توجه آقایان واقع نشده و مجلس باصل انتخابات رأی داد در این صورت پس از استفاده از این قسمت عرایض خودم دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - بنده در عالم آزادخواهی خیلی متأسفم که آقای بهار نسبت بوالی زاده اظهار مخالفت کردند والی زاده یک نفر شخص عالم ادیبی است و بعوالم آزادخواهی خیلی خدمت کرده است مخصوص با اهالی آن حدودی که بنده از آنجا انتخاب شده ام یعنی وقتیکه مأمور تلگراف حدود سمنان و دامغان و شاهرود و آن قسمتها بودند در موقعی که یک مظالمی در آنجا اتفاق افتاده بود ایشان به آزادخواهان آن حدود کمک هائی کرده و اهالی آن حدود همیشه سمنون ایشان هستند. خود آقای ملک هم نسبت بصلاحت آقای والی زاده حرفی نداشتند ولی اینکه فرمودند انتخابات والی زاده از تبریز طبیعی نبوده است البته اینها یک مفاهیمی است که مقرون بدلیل نیست. بنده تصور می کنم ایشان در یک شهری غیر از تبریز هم که بودند از نقطه نظر رویه و اخلاقی که ایشان دارند ممکن بود جلب توجه اهالی آن محل را هم بکنند از یک جای دیگر هم وکیل شوند چنانکه خود آقای بهار خراسانی هستند و بواسطه توقفشان در طهران جلب توجه از طهران که مرکز ایران است کرده و نماینده طهران شدند و بالاخره اگر یک مأموری بواسطه حسن سلوك و اخلاقی که شرح دادم مورد توجه اهالی واقع شود و باورای بدهند اسباب ایراد نخواهد بود بعلاوه والی زاده از اهل محل است یا اهل تبریز است - یا اهل ارومیه ...

اعتبار - تبریزی است.

یاسائی - در حال انتخاب والی زاده در تبریز باید اسباب خوشوقتی همه ماها باشد و هیچ تصور نمیکنم که آقای بهار نسبت بشخص ایشان مخالفت کنند و فرمایشات ایشان هم یک حرفهای کلی بود که اصولاً البته صحیح است و انتخابات نباید مصنوعی باشد ولی بالاخره در اینکه انتخابات ایشان غیر طبیعی بوده یک دلایلی ذکر نکردند که بفلان دلیل والی زاده از تبریز بواسطه نفوذ غیر طبیعی وکیل شده اند. دیگر بسته است بنظر نمایندگان محترم و چون مخالفتشان دارای یک چیزهائی نبود که بیش از این بنده دفاع کنم بهمین قدر قناعت می کنم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟ (جمعی گفتند - کافی است)

رئیس - رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای والی زاده از تبریز و توابع آقایان موافقین قیام فرمایند.

(جمع کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد چند دقیقه هم تنفس داده میشود. (در اینصورت جلسه برای تنفس تعطیل و نیم ساعت بعد مجدداً تشکیل گردید.)

رئیس - راجع باخطار باقید در صورت مجلس که نسبت باقای زوار شد بر حسب توضیحاتی که دادند معلوم شد که یک قدری عصبانی بوده اند و آن اظهاری که موجب اظهار شده از روی عصبانیت بوده است بنده هم قانع شده و آن اظهار را درباره ایشان وارد نمیدانم. خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسه رهنی مطرح است ماده دوم که بکمیسیون ارجاع شده بود راپرتش هنوز از طبع خارج نشده است.

بعضی از نمایندگان - حاضر شده است.

رئیس - به بنده نداده اند.

وزیر مالیه - اگر ممکن است لایحه دودوازدهم مقدمه مطرح شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - قسمت اخیر ماده ۲۶ نظامنامه را برای تذکر آقایان قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

راپرت مزبور به استثنای مواردی که مجلس فوریت آنرا تصدیق میکند لااقل ۲۴ ساعت قبل از مباحثه طبع و توزیع میشود.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده تصور میکنم سناقات با این ماده نداشته باشد لایحه دولت ۲۴ ساعت بیشتر است که طبع و توزیع شده است ماده نظامنامه هم صراحتی ندارد که خبر کمیسیون هم باید بیست و چهار ساعت قبل طبع و توزیع شود.

رئیس - از ابتدای ماده ۲۶ خوانده میشود.

بمضمون آتی خوانده شد

ماده ۲۶ راپرت کمیسیون در خصوص طرح یا لایحه قوانینی که به آن ارجاع شده در مجلس علنی داده میشود در صورتی که مجلس تصویب نماید در همان جلسه قرائت میشود راپرت مزبور

به استثناء مواردی که مجلس فوریت آنرا تصویب می کند لااقل بیست و چهار ساعت قبل از سباحه طبع و توزیع میشود. رئیس - این ماده این شرایط را نسبت به راپرت کمیسیون پیش بینی کرده بتقدیم کرده است که طبع و توزیع هر دو با هم بیست و چهار ساعت قبل باشد و نشده است بنابراین نمیشود مطرح کرد.

وزیر مالیه - ولی بطوریکه ملاحظه میفرمائید سنیوسد به استثنای مواردیکه مجلس فوریت آنرا تصدیق کند و تصویب کنیم اینهم یکی از آن موارد است چنانچه دولت پیش از وقت این تقاضا را از مجلس کرد و چون ماه تمام میشود اگر امروز این کار تمام شود خیلی اسباب تسهیل خواهد شد.

رئیس - تقاضای فوریت شده بود. اما مجلس رأی نداد. خبر کمیسیون بودجه راجع به ماده دوم لایحه مؤسسه رهنی قرائت میشود.

(به شرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون بودجه پیشنهادات آقایان نمایندگان را نسبت به ماده دوم لایحه مؤسسه رهنی تحت شور قرار داده و ماده مزبور را به ترتیب ذیل اصلاح مینماید.

ماده ۲ - مؤسسه رهنی مزبور بابت هر قرضه که میدهد فقط مأخذ صدی نه در سال به عنوان حق الحفاظه دریافت خواهد نمود و در مقابل هر قرضه اجناس منقول و قابل فروش وثیقه گرفته خواهد شد که مبلغ قرضه بیشتر از دو ثلث قیمت حقیقی آن اجناس در موقع استقراض نبوده باشد.

تبصره - مبلغ قرضه برای هر وامخواهی از چهار صد تومان نباید تجاوز کند و به هر وامخواهی که تا میزان چهار صد تومان گرفته باشد تا قرض سابق خود را تأدیه نکرده است قرضه دیگری داده نخواهد شد.

رئیس - آقای داور. (اجازه)

داور - موافقم.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - بنده تصور میکنم این واوی که بعد از اجناس منقول است زیادی است و اشتباه شده است عبارت این طور است: و در مقابل هر قرضه اجناس منقول قابل فروش وثیقه گرفته خواهد شد. و این واوی زیاد است زیرا مقصود اجناس منقول قابل فروش است. شیروانی مخیر کمیسیون - بنده با حذف واوی موافقت میکنم.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - این جا از ذکر واوی مقصودی هست. هر جنس منقولی را مقصود نیست مؤسسه قبول کند بلکه یک جنس منقولی را که میبرند در مؤسسه و قیمت رویش میگذارند چهار صد تومان یا ششصد تومان ممکن است بیش از دو بیست تومان خریدار نداشته باشد مثلاً یک ماشین شکسته را میاورند اینجا و ندرد هیچکس هم نمیخورد ولی ممکن است ششصد تومان قیمت رویش بگذارند البته اینرا مؤسسه نمیتواند قبول کند زیرا مؤسسه چیزی را قبول میکند که در هر موقع بتواند آنرا حراج کند و بدرش بخورد و چیزهای قابل

فروش باشد از این جهت واوی لازم است.

مخیر - قابل فروش را حذف نکردیم واوی را حذف کردیم اجناس منقول قابل فروش باقی است و همان نظریه حضرتعالی را تأمین میکند.

رئیس - آقای فیروزآبادی. (اجازه)

فیروزآبادی - بنده میخواهم پیشنهاد کنم که مبلغ این قرضه زیادتر از دو بیست تومان نباشد.

رئیس - پیشنهاد خودتان را بفرستید. نسبت به اصل ماده مذاکرات کافی است.

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروزآبادی قرائت میشود.

به این مضمون خوانده شد.

بنده پیشنهادی کنم که به هر عائله و خانواده زیاد از دو بیست تومان داده نشود و زیاد از یک سرتبه هم داده نمیشود مگر بعد از اداء قرض سابق.

رئیس - آقای فیروزآبادی توضیح بدهید.

فیروزآبادی - چون نظر آقایانی که میخواهند این بانک را تأسیس نمایند رفاهیت مردم است در این صورت اگر چنانچه مبلغ قرضه را چهار صد تومان قرار دهیم در صورتی که اصل وجه سرمایه اینقدرها نیست ممکن است کفاف ندهد و بعد از زیادی از مردم نرسد و فقط دو بیست سیصد نفر استفاده کنند و برای دیگران بی نتیجه و بیفایده بماند. این یکی یکی دیگر اینکه بیش از یک سرتبه زیادتر قرضه نباید داده شود مگر پس از تأدیه قرض سابق زیرا ممکن است بنده خود یک دفعه بروم بگیرم بپسرم یک دفعه فلان آدم یک دفعه. اگر چه جواب داده خواهد شد که اینقدرها اسباب برای گروگذاشتن ندارند ولی بنده عرض میکنم چون مبلغ حق الحفاظه کم است ممکن است از بانکهای دیگر اسباب در بیاورند و در این بانک بگذارند و چندین سرتبه بگیرند و به دیگران نتیجه ندهد. از این جهت بوده که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - آقای فیروزآبادی خوب است این ملاحظه را هم بفرمایند که تمام خانوادهها خانواده بنده و ایشان نیست که دو بیست تومان بتواند او را آباد کند. دو بیست تومان فایده به اشخاص نمیدهد و درد مردم را دوا نمیکند در کمیسیون پانصد ششصد تومان پیشنهاد شد ولی بالاخره مأخذ معتدل را همین چهار صد تومان گرفتیم و چیز زیادی نیست و از طرف دیگر کمیسیون ملاحظه این را کرده که یک خانواده به اساسی مختلف نتواند یک دفعه پول قرض کند و تمام این ملاحظات را در ماده الحاقیه وغیره منظور کرده و کلیه مؤسسات رهنی باید در تحت همین ترتیب اداره شوند از این جهت چهار صد تومان زیاد نیست.

رئیس - (خطاب به مخیر) عقیده کمیسیون چیست.

مخیر - بسته برای مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروزآبادی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

((کسی قیام نکرد))

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم به ماده دوم.

طباطبائی دیبا - بنده پیشنهاد داشتم.

رئیس - بنده خیال میگردم راجع به ماده اول است. قرائت میشود.

(به این مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم اول ماده اول به ترتیب ذیل نوشته شود: ماده اول - مؤسسه رهنی مزبور بابت قرضه هائی که میدهد نفعی نخواهد گرفت و فقط بابت هر قرضه که میدهد به مأخذ صدی نه الی آخر.

رئیس - اینجا ماده اول نداریم.

طباطبائی دیبا - ماده دو است.

رئیس - چون ماده اول نوشته بودید و آن ماده هم در جلسه گذشته مطرح بود و تصویب شد از این جهت نخواندیم. حالا بفرمائید طباطبائی دیبا - این عبارت در خبر سابق کمیسیون بود که حقیقتاً یک چیزی است که مطابق شرع اسلام هم است نمیدانم چه شده که بر طبق پیشنهاد یکی از آقایان نمایندگان در کمیسیون بودجه این عبارت حذف شده این است که به عقیده بنده اگر این عبارت نوشته شود بهتر است و ضرری هم ندارد.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده موافقم.

رئیس - آقای فیروزآبادی. (اجازه)

فیروزآبادی - این اعتراض که آقای دیبا فرمودند و پیشنهاد کردند به عقیده بنده وارد نیست و در کمیسیون بودجه هم این مسأله تحت نظر آمد و مذاکره شد. در اینجا مذاکره از حق الحفاظه است و مورد ندارد که از فرع ذکر شود و از هر نقطه نظر که فرض شود اصلاح و انطباق آنست که ذکر از این کلمه نشود.

رئیس - آقای مخیر عقیده کمیسیون چیست؟

مخیر - بسته به رأی مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای دیبا. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم...

مخیر - اینجا عبارت قابل فروش، قابل فروشی باید بشود و یک «یا» اضافه میشود. به این طور: «منقول قابل فروشی».

یاسائی - لزومی ندارد.

رئیس - مضر هم نیست که یک (یا) اضافه شود. رأی

میگیریم به ماده دوم بضمیمه تبصره و حذف واوی اضافه شدن یاد ر آخر کلمه فروشی. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت میشود.

(به شرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم - برای تهیه سرمایه این مؤسسه وزارت مالیه مجاز است قسمتی از وجوه تقاعد را که به عنوان استقراض از

صندوق تقاعد مأخوذ میشود در مؤسسه مزبور به ودیعه بگذارد. مقدار ودیعه در هیچ موقع نباید از سه خمس کلیه وجوه تقاعد تجاوز نماید.

رئیس - آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام زاده - این عرض که بنده در این ماده میکنم از نظر مخالفت نیست بلکه از نظر اصلاح است. اصل نظر بنده روی تأمین حقوق مستخدمین ادارات است. و چون این وجوه از صندوق تقاعد مستخدمین استقراض میشود لذا باید طوری تحکیم شود که از هر جهت کاملاً اسباب و وسائل اطمینان مستخدمین فراهم شود گرچه در اینجا نوشته شده (وزارت مالیه استقراض میکند) ولی بنده عقیده دارم عبارت ماده طوری نوشته شود که مسؤولیت دولت را در این موضوع استقرار کند که اگر خدای نخواست در موقعی این صندوق تقاعد از بین برود مستخدمین کاملاً مطمئن باشند که وزارت مالیه این وجه را به آنها خواهد پرداخت. این یکی. نظر دیگرم این است که ممکن است دو خمس از وجوهی که در صندوق تقاعد باقی میماند برای پرداخت حقوق متقاعدین تکافو نکند و به عقیده بنده این نظر هم باید در این ماده رعایت شود که اگر چنانچه برای تأدیه حقوق تقاعد و وظیفه وراثت مستخدمین این دو خمس تکافو نکرد باید از آن وجهی که به مؤسسه رهنی داده میشود. حقوق تقاعد و انتظار خدمت آنها داده شود.

مخیر - بنده خیلی خوشوقتیم که آقای احتشام زاده این محکم کاریها را برای مستخدمین در نظر میگیرند در کمیسیون هم همین نکات ملاحظه شد اولاً این یک میلیون پولی که ملاحظه میفرمائید به عنوان تقاعد در صندوق مالیه جمع شده است هنوز شاید به سه سال نرسیده است که این وجه جمع آوری شده و معادل یک میلیون پول الان در صندوق هست و شاید هنوز متقاعدین و اشخاصی که وظیفه میگیرند از این صندوق در سال بیش از صد هزار تومان حقوق بگیرند در این صورت اگر ما اینطور حساب بکنیم که در سال سیصد هزار تومان عایدی تقاعد داریم و در مقابل صد یا دو بیست هزار تومان میپردازیم باز در سال صد هزار تومان اضافه داریم و علاوه بر اینکه ما چهار صد هزار تومان در صندوق موجود داریم سالی سیصد هزار تومان هم اضافه خواهد شد پس از این رهگذر آقا به کلی مطمئن باشند که حقوق متقاعدین جانی نخواهد رفت. نکته دیگری که در ابتداء فرمایشاتشان فرمودند این بود که این پول مال متقاعدین است این مسأله را باید متذکر باشند که این پول مال ملت است منتهی دولت در مقابل ضمانتی دارد که حقوق متقاعدین را از این محل بپردازد اعم از اینکه این پول در این صندوق باشد یا نباشد. چنانچه قانون استخدام هم کاملاً این قسمت را پیش بینی کرده که اگر وجوه صندوق برای حقوق مستخدمین تکافو نکرده دولت باید حقوق متقاعدین را از متن بودجه بپردازد. پس نظریه ایشان کاملاً تأمین شده و از این حیث باید نگرانی نداشته باشند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم قانون مؤسسه رهنی بطریق ذیل اصلاح شود.
ماده سوم - برای تهیه سرمایه این مؤسسه وزارت مالیه مجاز است مقداری از وجوه تقاعد را که به عنوان استقراض به مسؤولیت خود از صندوق تقاعد مأخوذ میدارد در مؤسسه مزبور به ودیعه بگذارد. مقدار ودیعه در هیچ موقع نباید از سه خمس کلیه وجوه تقاعد تجاوز نماید و هرگاه دو خمس بقیه وجه موجودی در صندوق تقاعد برای تأدیة حقوق تقاعد و وظیفه وراثت مستخدمین تکافو نکند به مقدار لازم از وجهی که ودیعه گذاشته شده مسترد خواهد شد.

رئیس - آقای احتشامزاده. (اجازه)

احتشامزاده - نظر بنده به تأمین خاطر مستخدمین بود و تصور میکنم با این توضیحاتی که آقای مخبر دادند خیال بنده و آقایان مستخدمین از این رهگذر آسوده شد بنابراین بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای معظمی قرائت میشود.

(به شرح آتی خوانده شد)

ماده سوم - مقدار ودیعه حذف و مبلغ استقراض بجای او نوشته شود.

رئیس - آقای معظمی. (اجازه)

معظمی - این لفظ ودیعه یعنی امانت و در اسانت نمیشود تصرف کرد پس این استقراض است ودیعه نیست و ودیعه باید حذف شود و استقراض نوشته شود و بعلاوه بجای مقدار هم باید مبلغ نوشته شود.

مخبر - بنده موافقت میکنم با این پیشنهاد.

یاسائی - بنده مخالفم.

رئیس - آقای مخبر قبول کردند.

یاسائی - با قانون استخدام سناقات دارد در آنجا نوشته در این وجوه نباید تصرف بشود.

مخبر - اجازه بدهید توضیح بدهم که چرا قبول کردم.

رئیس - بفرمائید.

مخبر - البته پول است اگر بجای کلمه مقدار مبلغ نوشته شود صحیح تر است و راجع به کلمه ودیعه چون پولی که به ودیعه گذاشته میشود در واقع امانت است و نمیشود در آن تصرف کرد ممکن است بعد در آن تولید اشکال شود پس اینجا مقدار باید مبلغ شود و ودیعه هم استقراض نوشته شود یعنی استقراض میکنند بعد هم پس میدهند. تصرف در صورتی است که خرج بکنند و آنجا که میگویند نباید در وجه تقاعد تصرف کرد برای این است که خرج و تفریط نشود والا مسکن است معامله شود. در اینصورت باید اینطور نوشت: «برای تهیه سرمایه این مؤسسه وزارت مالیه مجاز است قسمتی از وجوه تقاعد را که به عنوان استقراض از صندوق تقاعد مأخوذ میشود در مؤسسه مزبور بگذارد مبلغ استقراض شده در هیچ موقع نباید از سه خمس کلیه وجوه تقاعد تجاوز نماید».

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - بنده ناگزیرم ماده پنجاه و هشت قانون استخدام را بخوانم: ماده ۵۸ وجوهی که مطابق ماده پنجاه و هشت به صندوق حقوق ووظایف متقاعدین ووراثت مستخدمین داده میشود منحصرآبرای پرداخت حقوق متقاعدین ووظایف ووراثت مستخدمین تخصیص و به هیچ عنوان نباید از این محل به مصرف دیگری برسد و کسانی که از وجوه صندوق مزبور به مصرف دیگری برسانند در حکم سارقین اسوال عمومی خواهند بود. ما باید این ماده را نقض کنیم با قانون را طوری بنویسیم که سنافی با این ساده نباشد و همین لفظ ودیعه که نوشته شده کافی است یعنی همانطور که سپرده شده وزارت مالیه در موقع خودش استرداد می کند ولی اگر ما این مبلغی را که به مؤسسه رهنی میدهیم اسمش را استقراض بگذاریم در حکم این است که اجازه داده باشیم که به هر مصرفی که میخواهند برسانند. پس این لغت ودیعه در اینجا لازم است و باید باشد والا این معنی را بنظر بنده تأمین نمی کند.

رئیس - در هر حال آقای مخبر قبول کرده اند منتهی شما نمیتوانید جمله اولی را پیشنهاد کنید پیشنهاد آقای کللالی قرائت میشود.

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم. ماده سوم و تبصره آن به طریق ذیل اصلاح شود.

ماده سوم برای تهیه سرمایه این مؤسسه وزارت مالیه مجاز است قسمتی از وجوه تقاعد را که به عنوان استقراض از صندوق تقاعد مأخوذ میشود در مؤسسه مزبور ودیعه بگذارد. مقدار ودیعه در هیچ موقع نباید از چهار خمس کلیه وجوه تقاعد تجاوز نماید. تبصره وزارت مالیه مجاز است شعبه های مؤسسه مزبور را در ولایات ایجاد نماید.

رئیس - آقای امیر تیمور کللالی. (اجازه)

امیر تیمور کللالی - این یک خمس که بنده پیشنهاد کردم که در اینجا به سرمایه مؤسسه افزوده شود چیزی نیست که بجائی تحصیل شود و به عقیده بنده عوض اینکه این پول در بانک سبوس باشد بهتر این است که در سملکت به جریان بیفتد و عرض دیگر این است که بنده با کلمه لدی الاقتضاء مخالفم زیرا که اگر این کلمه لدی الاقتضاء را ما تصویب کنیم بنده قاطعاً که هیچ وقت دولت به فکر ایالات و ولایات نخواهد افتاد.

رئیس - راجع به تبصره پیشنهاد های دیگری هم رسیده است.

آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلیخان بیات - عرض میکنم در قسمت اول که آقای امیر تیمور پیشنهاد کردند چهار خمس باشد در کمیسیون بودجه در اطراف این قضیه مذاکرات زیاد شد و چون احتمال داده میشد که یک خمس برای حقوق متقاعدین کافی نبوده باشد دو خمس را زمین گذاشتند و سه خمس برای اینکار اختصاص دادند و همینطور که آقای احتشامزاده فرمودند باید یک مبلغی باشد که کفاف کند و این ترتیبی که قرار گذاشته شده خیلی خوبست و نظریات همه را

تأمین خواهد کرد و طوریت که هم حقوق متقاعدین پرداخته خواهد شد و هم مؤسسه دچار اشکال نمیشود در قسمت تبصره هم حالا اگر مطرح است اجازه میفرمائید عرض کنم یا بعد؟
رئیس - آن قسمت را بعد بفرمائید. رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای امیر تیمور کللالی آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی.

فیروزآبادی - نظر بنده در ضمن فرمایشات آقا منظور شد بنده پیشنهاد کرده بودم چهار خمس را سرمایه قرار دهند که قبول نکردند.

یک نفر از نمایندگان - مسترد داشتند.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود.

(به مضمون ذیل قرائت شد)

بنده ماده سوم را پورت کمیسیون بودجه را پیشنهاد میکنم.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - بنده همانطور که توضیحاً عرض کردم عقیده ام این است اگر لفظ ودیعه بطوریکه در خود این قانون هم هست باشد از نقطه نظر تأمین آن ماده که در قانون استخدام نوشته شده است بهتر است و اشکالات لفظی هم ندارد ما که نمیخواهیم در الفاظ مباحثات زیاد بکنیم و به عقیده بنده لفظ ودیعه باید باشد برای اینکه اگر یک تصرفاتی در آن شد فردا میتوانیم اعتراض کنیم و هیچ اشکالی هم ندارد.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلیخان بیات - در اینجا از دو نقطه نظر لفظاً استقراض بهتر است یکی از جنبه مستخدمین اگر پولی که از آنها دولت میگیرد و به مصرف این مؤسسه میرساند به عنوان قرض باشد بهتر است والا اگر ودیعه باشد و یک صدمه به امانت وارد بشود ممکن است بگویند دولت مسؤول نبود ولی وقتی که به عنوان استقراض شد دولت مجبور است که حقوق مستخدمین را حفظ کند و از جنبه دیگر اینکه آقای یاسائی فرمودند نوشته شده است که به هیچ مصرفی نمیتواند برساند باید عرض کنم که قرض مصرف نیست و غیر از مصرف است و بطوریکه ملاحظه فرموده اید فقط میتواند حقوق مؤسسه و اداره را بدهد و مقصود از ماده که در قانون استخدام ذکر شد این است که این پول مصرف نشود والا مقصود مقنن این نبود که پول را در جائی حبس کنند و از آن کسی استفاده نکنند و یک مدتی این پول در سملکت بدون مصرف را کد بماند بلکه مقصودش تلف نشدن بوده است و به عقیده بنده این ترتیب با قانون هم تباین ندارد.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای

یاسائی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقایان دکتر سنگ

و روحی قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

- بنده پیشنهاد میکنم عبارت لدی الاقتضاء در تبصره ماده سوم حذف شود. دکتر سنگ.

- بنده پیشنهاد میکنم کلمه لدی الاقتضاء از تبصره ماده سه حذف شود. روحی.

رئیس - آقای دکتر سنگ. (اجازه)

دکتر سنگ - بنده خواستم عرض کنم عبارت لدی الاقتضاء عبارت کش داری است که ممکن است ایالات و ولایات را مدتهای مدیدی از بهره مندی از این مؤسسه بازدارد و همینطور که آقای مخبر فرمودند از این مؤسسه باید تمام ایالات و ولایات بهره مند شوند از این جهت این پیشنهاد را کردم.

وزیر مالیه - اینجا یک سوء تفاهمی برای بعضی از آقایان روی داده است اینکه آقای کللالی و بعضی از آقایان نمایندگان فرمودند شاید وزارت مالیه ب فکر ایالات و ولایات نباشد اینطور نیست. این مؤسسه یک مؤسسه تجارتي و صرافتی است و یک مؤسسه صرافتی بالطبع میخواهد دانسته شعبات خودش را بسط دهد و وقتی که سرمایه پیدا کرد سرمایه خود را که نمیخواهد توقیف کند ناچار است شعبات خودش را به سایر جاها بسط نماید در هیچ وقت ممکن نیست که یک مؤسسه صرافتی و تجارتي بتواند پول خودش را در یک محلی حبس و توقیف کند. اما راجع به کلمه لدی الاقتضاء این عبارت را اگر بخواهند تغییر بدهند بنده حرفی ندارم ولی باید بدانند که اینکارها بندریج باید بشود و با حصول سرمایه این بانک میتواند شعبات خودش را در ولایات بسط دهد. و اگر سرمایه پیدا کند حتماً دولت شعبه های آن را در ولایات تأسیس خواهد نمود والا برای مؤسسه ضرر خواهد داشت.

رئیس - (خطاب به مخبر) در این پیشنهاد چه میفرمائید.

مخبر - بسته به رأی مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دکتر سنگ آقایانی که موافقت قیام فرمایند. (معدودی قیام نمودند)

طباطبائی دیا - اجازه میفرمائید؟

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دیا مورد ندارد.

طباطبائی دیا - مقصود بنده هم همین بود که عرض کنم

مورد ندارد.

رئیس - پیشنهادی است به اسضای جمعی از آقایان

قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست - تبصره را بطریق ذیل پیشنهاد میداریم: وزارت مالیه مکلف است الی مدت ششماه از تاریخ تصویب تدریجاً در مرکز ایالات و ولایات با رعایت اهمیت آن محل ایجاد شعبه از این مؤسسه بنماید محمد ولی میرزا - ابراهیم - میرستاز - میرزا آقافرشی.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا. (اجازه)

محمدولی میرزا - بطوریکه خیلی از آقایان محترم نمایندگان ولایات اظهار کردند کلمه لدی الاقتضاء خیلی اسباب نگرانی تولید کرده و تصور نمیرود که با این کلمه هیچ وقت مسأله تشکیل

شعبه این مؤسسه در ولایات صورت خارجی پیدا کند و این پیشنهادی هم که ما کردیم با بیانات آقای وزیر مالیه که فرمودند منافع مؤسسه در این خواهد بود که شعبات خودش را در همه جا توسعه دهد منافات ندارد زیرا ما خودمان هم همین نظریه را اتخاذ کردیم و گفتیم وزارت مالیه مکلف است تدریجاً اینکار را در ولایات و ایالات بکند و این مسأله هم از هر حیث صلاح دولت است زیرا اگر این پول در ایالات و ولایات تقسیم شود اولاً سوخت کمتر پیدا خواهد کرد و ثانیاً جریان داد و ستد در ولایات بیشتر است و تصور میکنم اگر این پیشنهاد تصویب شود نظریه همه آقایان تأمین خواهد شد و برای وزارت مالیه هم اشکالی تولید نخواهد کرد.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات - اساساً اگر آقایان به اصرار مطلب درست توجه و دقت بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که کلمه لدی الاقتضاء که در ماده نوشته شده لازم است زیرا اولاً بطوریکه حساب شده مبلغی که برای سرمایه این مؤسسه در نظر گرفته شده بیش از پانصد یا ششصد هزار تومان نیست و اگر بنا باشد این مبلغ را بین مرکز و ولایات تقسیم کنند به هر کجا پیش از دو سه هزار تومان نخواهد رسید و این هم همان قدری است که صرف مخارج اداری بشود و بعد از ششماه یا یکسال تمام این سرمایه بمصرف خرج اداری خواهد رسید و برای اصل سرمایه چیزی باقی نخواهد ماند از این نقطه نظر است که عجلتاً قرار شد این بانک در مرکز باشد و شعبه در ولایات نداشته باشد زیرا این پول کفایت اینکار را نمیدهد ولی البته ممکن است بعدها چون این پول زیادتر و استفادات بیشتر میشود در ایالات و ولایات هم شعبه دایر کرد از این جهت بود که کلمه لدی الاقتضاء نوشته شد یعنی هر وقت که اقتضاء پیدا کرد اینکار را میکنند والا اگر میخواستند حالا این قید را بکنند دچار مشکلات خواهد شد زیرا جمعی از آقایان خواهند گفت چرا اختصاص به ایالات دادید و به ولایات ندادید آنوقت ناچار باید بعضی از ولایات را هم ذکر کرد باز جمع دیگری خواهند گفت که مثلاً چرا به فلان جا اختصاص دادید و فلان جا را محروم کردید و آنوقت این سردور و تسلسل پیدا کرده عملی نمیشود پس بهتر این است همان طوریکه فعلاً هست باشد تا در موقعش اقدام شود.

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - بسته به نظر مجلس است.

وزیر مالیه - این مسأله شش ماه که نوشته اند اصلاً هیچ عملی نیست زیرا اصلاح شش ماه وقت لازم است تا در خود مرکز این کار عملی شود و تا مؤسسه درست شود و به جریان افتد و ترتیباتش را بخواهند بفهمند همین مدت بلکه بیشتر وقت لازم است پس این کلمه شش ماه اصلاً عملی نیست اما راجع به کلمه لدی الاقتضاء هم همان طوریکه آقای سهام السلطان اظهار فرمودند هیچ جای نگرانی نیست زیرا خود وزارت مالیه مسلمانگی خواهد کرد که شعب این بانک را در ولایات تأسیس کند ولی شرط به داشتن سرمایه است. حالا اگر بخواهیم اینکار را بکنیم این سرمایه

تفریط خواهد شد.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که دولت پس از یکسال شعبات این مؤسسه را بدو در چهار ایالات و بتدریج در سایر ولایات تأسیس نماید.

رئیس - آقای روحی. (اجازه)

روحی - آقایان تصدیق میفرمایند که امروزه طهران بیش

از همه جا از تمام مؤسسات عام المنفعه و مفید از قبیل صحیه و معارف و غیره استفاده میکند در صورتی که ولایات به کلی محرومند و به هیچ وجه از این مؤسسات فائده نمی برند مثلاً شما یک سریشخانه در گلیایگان نخواهید دید البته مرکز باید یک مرجعاتی داشته باشد ولی نه اینقدرها.

حالا در این لایحه بانک آقایان معتقدند که لدی الاقتضاء باید باشد ولی با این ترتیب ایالات و ولایات استفاده نخواهند کرد در صورتی که بنده عرض میکنم این پولی که با آن این بانک را میخواستند تشکیل دهند از مستخدمین همه ایرانست و مستخدمین ایالات و ولایات هم در سرمایه این بانک شرکت دارند از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام برای اینکه عملی هم باشد بدو در چهار ایالت و پس از آن بتدریج در سایر جاها شعبه این بانک را توسعه دهند. مخصوصاً در این موقع بنده توجه آقایان نمایندگان محترم ولایات را جلب کرده و عرض میکنم: آقایان ما اگر بشینیم و منتظر باشیم که دیگران برای ما کار کنند هیچ همچو چیزی نخواهد شد. ما امروز از این حق خودمان باید استفاده کنیم و نگذاریم حق ما از بین برود.

مخبر - اولاً ما باید از تمام ایران دفاع کنیم نه از یک جای مخصوص. طهران هم جزو ایران است. کرمان هم جزو ایران است. تمام این جاها جزو مملکت ایرانند ما وکیل تمام ایران هستیم و از ایران باید دفاع کنیم و ما باید برای همه مملکت مطابق مقتضیات قانون وضع کنیم. آقایان میفرمایند با این ششصد هزار تومان از چهار ایالت شروع کنیم و در همه جا مؤسسه این بانک را دائر کنیم. فرض کنیم سیصد هزار تومان از این پول را بمصرف تأسیس بانک طهران برسانیم و سیصد هزار تومان دیگر را صرف ولایات کنیم. این را هم باید در نظر بگیریم که مؤسسه که در ولایات دائر میکنیم باید سرمایه اش طوری باشد تا بتواند با مؤسسه بانک مرکزی رقابت کند. وقتی که ما سیصد هزار تومان را به ایالات و ولایات دادیم چطور با این مبلغ آنهاجا می توانند دارای شعباتی باشند که بتوانند با مرکز رقابت کنند؟ آنوقت نتیجه این میشود که اصل سرمایه از بین خواهد رفت. زیرا ما برای آسایش و رفاه اهالی این کار را میکنیم سنگ ولایات را بنده و آقای آقاسید یعقوب در کمیسیون بسینه نزدیکیم. دولت هم این تبصره را پیشنهاد نکرده بود این تبصره را کمیسیون بودجه پیشنهاد کرد

و تمام اطراف قضیه راهم ملاحظه کرد بنده تصور میکنم که نظر ایشان هم تأمین شده برای اینکه ما نکتیم سرمایه این بانک این پولی است که حالا داده میشود.

خیر. همینطور که بتدریج وجوه تقاعد زیاد شد سرمایه بانک هم زیاد میشود و وقتی که سرمایه زیاد شد البته ما میتوانیم مؤسسه را توسعه بدهیم و شاید تا شش ماه دیگر یک سرمایه داشته باشیم که بتوانیم در چند ولایت مؤسسه تأسیس کنیم و اینکه فرمودند ایالت و ولایت بنده مخالفم و باید مملکت را بقطعات متساوی تقسیم کرد و این ایالت و ولایت و فکر ملوک الطوائفی را باید ازین برد.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای روحی. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(جمعی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد ملک مدنی.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده سوم باین قسم اصلاح شود. تبصره - وزارت مالیه مجاز است نصف از وجوه مؤسسه رهنی را در ولایات بطور تساوی اختصاص بدهد.

ملک مدنی - بنده تصور میکنم که مقصود از تأسیس این مؤسسه البته کمک با اقتصادیات مملکت است ولایات امروز از طهران بیشتر احتیاجات دارند که نسبت بانها کمکها شده باشد و دریک همچو موقعی که میخواهند مؤسسه رهنی تأسیس کنند بهترین است که ولایات هم بطور تساوی نسبت بخودشان استفاده کنند این است که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای فیروزسیرزا (اجازه)

فیروزسیرزا - اگرچه یکی دو پیشنهاد تقریباً مثل پیشنهاد آقای مدنی شده است و مجلس آنها را رده کرده است ولی این پیشنهاد یک عیب بزرگتری دارد و آن این است که نصف از این مبلغ برداشته شود و بنسایری بین تمام ولایات تقسیم شود اولاً اگر نصف ششصد هزار تومان برداشته شود و سیصد هزار تومان بماند و بین تمام ولایات تقسیم شود بعقیده بنده یک خارج قسمتهای بی ربط و کوچکی پیدا میکنند که بهیچ وجه ببرد ولایات هم نمیکشود. روی هم رفته بنده تعجب میکنم که چرا آقایان قائل نیستند که این اسور باید تدریجی باشد و تدریجی یک شروعی و شروع هم اگر البته اگر از مرکز بشود برای استحضات و بعد برود بایالات بهتر است و چرا بعضی آقایان میخواهند این طور قلم بدهند که یک نظر سوئی نسبت بخارج از طهران هست. البته همه تصدیق میکنند که طهران ایران نیست. ایران طهران نیست. ما وکیل تمام ملت هستیم و باید بنام همه و منافع همه حرف بزنیم و این «لدی الاقتضاء» که اینجا نوشته شده است کاملاً نظر آقایان را تأمین میکند مگر اینکه آقایانی که این سوءظن را دارند نسبت بمجرى این قانون که دولت داشته باشند و بگویند که دولت حاضر نیست که این «لدی الاقتضاء» را عمل کند و بنده نمیخواهم در این سوءظن شریک باشم و گمان میکنم اگر

موافقت بفرمائید و باین ترتیب که هست باشد بهتر است.

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید؟

مخبر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد.

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(سه چهار نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم وزارت مالیه مکلف است از سرمایه بانک رهنی تا میزان ششصد هزار تومان برای شعبه مرکز و مازاد آن را متدرجاً برای تأسیس شعب ایالات و ولایات مصرف نماید (عدل، سید کاظم، فهیمی، حبیب الله امین).

رئیس - آقای فهیمی، این پیشنهاد بجای تبصره است.

فهیمی - بلی

رئیس - بفرمائید توضیح بدهید

عدل - بنده ابتداء عقیده ام این بود که بملاحظه پریشانی ایالات و ولایات سمت شمال استدعا کنیم که این بانک از آنجا شروع شود نه از طهران چون آدم مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید میفرسد. پریشانی سرحدات شمال بقدری است که هر قدر توجه بانها بشود باز هم مستحق ترند و اگر آقایان پریشانی آنها را میدانستند تصور میکنم بنده ایراد نمیفرمودند ولی حالا که میخواهند از مرکز شروع شود سرمایه که در این بانک گذاشته میشود آنچه بنده حساب میکنم تقریباً بمیزان ششصد هزار تومان است این است که بنده این طور پیشنهاد میکنم مادامی که میزان سرمایه ششصد هزار تومان است در مرکز باشد و آنچه که از این مقدار علاوه میشود یعنی حقوق تقاعد هم سال بسال علاوه خواهد شد و این سرمایه بالابیرود این را بتناسب الا هم فالاهم در ایالات و ولایات بانک رهنی تأسیس کنند.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - آقا میفرمایند اهالی ولایات شمالی ایران خیلی پریشانند. تصور میکنم ایشان از اهالی جنوب بی اطلاعند در صورتی که اهالی جنوب مسلماً پریشان تر هستند مخصوصاً در حدود یزد کرمان و یک قسمت فارس مردمانش مسلماً از قسمت شمالی پریشان ترند اینکه فرمودند تا حدود ششصد هزار تومان تخصیص شود بشعبه رهنی مرکز و مازاد آن را ببرند در ولایات تأسیس بانک بکنند بعقیده بنده این پیشنهادشان نقض غرض است زیرا دولت ممکن است با همین لغت «لدی الاقتضاء» و با همین ششصد هزار تومان در آتیة نزدیکی بتواند شعبی هم در بعضی ولایات تأسیس کند یعنی ممکن است چهارصد هزار تومان بیشتر برای مرکز لازم نشود و با دو صد هزار تومان دیگر بتواند شعبی در بعضی ولایات شیراز یا صنها یا جاهای دیگر تشکیل بدهد در هر صورت تصور میکنم اگر بهمان کلمه «لدی الاقتضاء» اکتفاء میکنم و دولت را در محظور بیندازیم بهتر است. این مذاکرات هم بطور تفصیل در کمیسیون بودجه شد و این اخت را بالاخره کافی دانستیم

رئیس - آقای دکتر سنگ عضو کمیسیون هستند؟

دکتر سنگ - خیر

رئیس - نظامنامه اجازه نمیدهد. آقای مخبر چه میفرمایند؟
مخبر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر

(بشرح آتی قرائت شد)

مقام محترم ریاست، تبصره را بطریق ذیل پیشنهاد میداریم وزارت مالیه مکلف است شعب این مؤسسه را تدریجاً در سراسر ایالات و ولایات در مدت یک سال از تاریخ تصویب تأسیس بدارد. (محمودلی، میرمنار، فرشی، ثقة الاسلامی)

رئیس - یک سال هم بود رد شد ماده سوم قرائت میشود بآن اصلاح

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سوم - برای تهیه سرمایه این مؤسسه وزارت مالیه مجاز است قسمتی از وجوه تقاعد را که بعنوان استقراض از صندوق تقاعد مأخوذ میشود در مؤسسه مزبوره بگذارید مبلغ وجه استقراض شده در هیچ موقع نباید از سه خمس کلیه وجوه تقاعد تجاوز نماید. تبصره - وزارت مالیه مجاز است لای الاقتضاء شعبه های مؤسسه مزبور را در ولایات ایجاد نماید.

رئیس - رأی گرفته میشود باین ماده با تبصره آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده چهارم - عوائد مؤسسه رهنی پس از تأدیه مخارج اداری اصل سرمایه مؤسسه را تشکیل خواهد داد.

رئیس - آقای احتشام زاده (اجازه).

احتشام زاده - طرز تحریر این ماده با اطلاعاتی که بنده نسبت به جریان اوضاع ادارات مخصوصاً زیاد بودن مخارج اداری دارم بنده را ناگزیر کرد که مخالفت کنم و آن اینست که مابطور کلی اجازه داده ایم که مقدار زیادی از سرمایه این مؤسسه را و بلکه (چون آزادی تمام بدولت داده ایم) ممکن است اتفاقاً تمام عوائد این مؤسسه را برای مخارج این کار صرف کند بنده معتقد هستم که این کار البته یک مخارجی دارد و مخصوصاً در ابتدای تشکیل این مؤسسه برای تهیه اثاثیه و لوازم کار شاید محتاج به یک مخارج زیادی هم باشند ولی بعد از یکی دو سال که این مؤسسه به جریان افتاد معتقدم که باید مخارج اداری به یک مقدار محدود شود که دولت نتواند از آن مقدار تجاوز کند برای اینکه هم بتوانیم از این مؤسسه استفاده کنیم و هم بتوانیم از منابع این مؤسسه یک سرمایه زیادتری تهیه کنیم که زودتر بشود در ولایات هم شعبه تأسیس کرد به این جهت بنظر بنده باید مخارج اداری را

محدود کرد به یک میزان معینی که از آن میزان تجاوز نکنند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - اگر نظر آقای احتشام زاده اینست که هیچ مخارج اداری نداشته باشند نمیشود. البته مخارج اداری دارد و اگر نظرشان این است که مخارج اداری را ما در لایحه معین کنیم عرض میکنم ما در تحت هر یانی خواستیم مخارج اداری را تحدید کنیم دیدیم بر ضرر خودمان تمام میشود و دیدیم نمیشود خواستیم به این ترتیب از این ماده استفاده کنیم یعنی در واقع شخصی را که میاوریم مدیر این بانک و مأمور تأسیس این بانک میکنیم چون گمان داریم که یک شخص خیلی قانع و عالم در اقتصاد باشد او ملاحظه میکند که مطابق این ماده باید از این صدی نه که حق الحفظه میگیرد هم مخارج بکند و هم تأسیس یک سرمایه جدیدی برای مؤسسه بکند این است که خود او ناچار است که میزان مخارج اداری را به اندازه بگیرد که از این حق الحفظه که میگیرد کمتر بشود تا اینکه مفهوم این ماده عمل بشود و اگر ما این قسمت را در این ماده نوشته بودیم که باید از منافع این کار تشکیل سرمایه بدهد آن وقت ممکن بود بگوید منافع را خرج اداری کردیم بعلاوه قبل از وقت هم که نمیشود مخارج اداری را معین کرد که چقدر میشود یعنی خود وزارت مالیه هم هنوز این را نمیتواند معین کند از این جهت کمیسیون نتوانست مقدار مخارج اداری را تعیین کند که از آن مقدار تجاوز نکند و بقدر امکان ملاحظه اقتصاد را کردیم و بهتر از این نتوانستیم ملاحظه کنیم.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو - در این ماده بنده چند نظر دارم اولاً راجع بهمان نظری که گفتند بنده عقیده ام اینست که قبلاً باید یک مأخذی برای مخارج معین بشود و حتی بنده در خارج مذاکره کردم و شنیدم که در کمیسیون بودجه مذاکراتی شده است و گفته اند بودجه این مؤسسه را پیشنهاد میکنند. پیشنهاد بودجه در موقع خود صحیح است ولی فعلاً که میخواهند تأسیس بکنند تأسیس را از روی چه اصلی میکنند؟ اینجا بطور مطلق گفته میشود باید تا سه ماه تأسیس بشود اما در تحت چه اصل و چقدر مخارج پیش بینی خواهند کرد معلوم نیست این را هم بطور اطمینان ما میدانیم و دیده ایم وقتی میخواهند تأسیس یک اداره بکنند بقدری فشار از اطراف میاورند که وقتی نگاه کنیم فرع مزید بر اصل خواهد شد عقیده بند این است که فعلاً یک مأخذی گرفته شود باین ترتیب که مخارج نسبت به عواید نباید از فلان مقدار تجاوز کند چنانکه بنده در پیشنهاد تقدیمی خودم هم عرض کرده ام و اگر این کار را بکنیم هم خود وزارت مالیه که میخواهد اینجا را تأسیس بکند، بمحظورات نمی افتد که از هرجا توجه شود و هزار فشار وارد بیاید و هم اینکه دست خودشان باز باشد که نگویند حالا دیگر چکار کنیم اشخاصی را نشانده ایم اینجاها. یکی دیگر اینکه بنده راجع بفرمایشی که آقای مخبر فرمودند نظر مخالف دارم. در قسمتی که فرمودند این وجوه تقاعد مال ملت و مملکت است این طور

نیست. البته تا وقتی که وجوهی که بمستخدمین داده میشود بعنوان حقوق به آنها داده نشده است مال ملت و مملکت است ولی آن دقیقه که بنام فلان مستخدم حقوقی معین شد که چقدر حقوق دارد این مال او است و از مال او اینقدر ذخیره میکنند برای تأمین آتیه. پس چیزی که برای تأمین آتیه مستخدمین ذخیره میشود باید برای آنها محفوظ بماند به این جهت بنده در آن پیشنهاد خودم در ضمن این ماده تبصره عرض کردم و در قسمت عایدی این مؤسسه هم عرض کرده ام که یک قسمت از این عایدی باید بر آن صندوق تقاعد مزید شود چون صندوق تقاعد بموجب همان ماده که آقای یاسائی قرائت فرمودند باید همیشه محفوظ بماند برای موقع دادن حقوق متقاعدین و هر قدر هم زیاد شود یک تأمین است برای آتیه آنها ولی چون در آن پیشنهاد خودم یک تقسیماتی کرده ام دیگر حالا عرض نمیکنم بقیه عرایض بماند برای موقع توضیح پیشنهادم.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی - در ماده چهارم پیشنهادی دولت قید شده بود این مؤسسه سالیانه صدی چهار بوجوه مذکور سال الصلح بپردازد و در اینجا نوشته اند عوائد مؤسسه رهنی پس از تأدیه مخارج اداری اصل سرمایه مؤسسه را تشکیل خواهد داد و مؤسسه رهنی هم بموجب ماده اول یکی از شعب بانکی خواهد بود که در آتیه تشکیل میشود پس سرمایه این مؤسسه رهنی از سرمایه کل بانک است ولی الان سرمایه که برای این مؤسسه تخصیص میدهند از صندوق تقاعد است عوائدی هم که از این سرمایه پیدا میشود باید به همان سرمایه داده شود اما مطابق این ماده این محل اختصاص به اصل سرمایه داده میشود و اینکه برخلاف پیشنهاد دولت کمیسیون حتی برای سرمایه خارج نکرده است چه علت دارد آیا اصل سرمایه که در اینجا قید کرده اند مقصودشان این است که...

رئیس - شما مخالفت دارید؟

فهیمی - بلی.

رئیس - پس چرا رعایت ترتیب را نمیکنید دو مخالف که

پشت سر هم صحبت نمیکنند؟ آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - ماده سه را آقای فهیمی خودشان رأی دادند. در آن ماده نوشته دولت به اعتباری که دارد از این محل قرض میکند بعد از قرض کردن متعلق بدولت میشود و دیگر مال متقاعد نیست و ربطی به صندوق تقاعد ندارد. دولت یک پولی را قرض کرده. چه فرق میکند که از آنجا قرض کند یا از بانک شاهنشاهی؟ دیگر دو مرتبه باز تقاعد؟! چه تان است؟! کجا هستید؟! همه کس وکیل دارد الا ملت!! بنده عرض میکنم به موجب این ماده که الان رأی دادید دولت محق شد و مستحق شد که یک پولی قرض بکند و بیاورد آنجا بگذارد. دولتی که چهل و هشت کرور پول بمستخدمین رقت آور سیده این مبلغ را نخواهد داد؟! یک قدری اگر ملاحظه فرمایید این صحبتها را

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد جمعی از آقایان.

(بشرح ذیل خوانده شد)

مقام محترم ریاست، پیشنهاد میداریم مخارج اداری در ماده چهارم بصدی ده از عواید محدود بشود. محمودلی - میرمنار - ثقة الاسلامی - فرشی.

رئیس - آقای محمودلی میرزا (اجازه).

محمودلی میرزا - بطوریکه آقای نماینده محترم اظهار کردند بنده کاملاً موافق با روح بیانات آقای آقا سید یعقوب هستم ولی این قدرت اجتماعی که تعبیر فرمودند آن در دست یک عده از وزراء جانمیکرد و آن قدرتیست که در دست نمایندگان مات است که بآنها بطور ودیعه و اسانت سپرده میشود و از طرفی هم وقتی که مایک قانونی وضع میکنیم باید بگوئیم وضعیت این مؤسسه چگونه باید شود بعلمت اینکه این یک مؤسسه خصوصی نیست، دست فلان صراف یا هیئتی از صرافان نیفتاده است که ما قطع داشته باشیم مخارجش بیشتر از عوایش نمیشود یا اینکه تناسبی در مد نظر بگیرند وزارت مالیه تا کنون عملیاتی کرده است که خیلی از آنها مخصوصاً در قسمت آذربایجانست که تمام نمایندگان آنجا میل دارند در اینجا مطرح کنند. من جمله ضبط و ربط خالصجات و معادنست و وقتی که سابقاً مسائل بر میگردیم بیستم وقتی که وزارت

مالیه داخل یک تجارتی شد بدترین تجار میشود. این است که ما باید از ابتدا میزان معینی قرار بدهیم که برای اداره معادن یا خالصجات مثلا نباید صدی چهل صدی شصت، صدی پنجاه عواید را مصرف کرد مثل اینکه چون این عواید حقیقه از یک منبع عمومی تحصیل میشود باین جهت بآن اندازه که باید دقت بشود نمیکنند. از این نظر جمعی از آقایان و بنده پیشنهاد کردیم که در خود قانون مخارج مؤسسه معین و محدود شود که ما هم اطلاع داشته باشیم و بعقیده بنده بایستی قبل از اینکه این لایحه بمجلس بیاید خود وزارت مالیه این را در نظر بگیرد و در کمیسیون بودجه هم قضیه تحت مطالعه بیاید و بعد هم در مجلس مطرح میشد این بود که ما پیشنهاد کردیم مخارج نباید از صدی ده تجاوز کند.

سخنبر— حضرت والا با اینکه در مالیه تشریف داشتند گویا حساب نکرده اند و این پیشنهاد را کردند، صدی نه این سرمایه در سال پنجاه و چهار هزار تومان است عشرش میشود پنجاه و چهار صد تومان، ایشان خوبست حساب کنند مؤسسه رهنی که شعبش هم در ولایات، باید تأسیس شود با سالی پنجاه و چهار صد تومان چطور درست میشود؟! اگر یک نفر مقوم و یک انباردار و مدیر و منشی فرض کنیم و حداکثر حقوقشان را هم شصت تومان بگیریم بعقیده بنده در سال بیشتر از این ده یک عایدی میشود، بنابراین بنده گمان میکنم که ایشان درست حساب نکرده اند لیکن اگر حدی بخواهند معین کنند مشروط بر اینکه حسابش را بکنند یک اندازه که بشود آنرا اداره کرد ممکن است موافقت بشود.

وزیرمالیه— برای تعیین حد مخارج این کار در بودجه بانک که بمجلس خواهد آمد باید تکلیف معین شود حالایی جهت مذاکره کردن در این باب قبل از آوردن بودجه گمان میکنم موردی نداشته باشد و البته قبل از آنکه بانک تأسیس شود بودجه آن تدارک میشود و بمجلس بیاید و هر طور که مجلس تصویب فرموده البته اجراء خواهد شد.

رئیس— رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا و جمعی از آقایان. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (عده قیام نمودند)

رئیس— قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده چهار مؤسسه رهنی این قسم اصلاح شود:

ماده چهار— عوائد مؤسسه رهنی پس از تأدیة مخارج اداری که نباید در سال نسبت به عواید از صدی پانزده تجاوز نماید بدو قسمت منقسم میشود:

(الف) — صدی سه بعنوان عایدی بر اصل سرمایه تقاعدی مزید خواهد شد.

(ب) — با صدی هفت بقیه عایدی سرمایه مؤسسه رهنی را تشکیل خواهد داد.

تبصره— در موردی که باقی مانده و جوه موجوده در صندوق تقاعد اکتفا بتأدیة حقوق تقاعد نماید در حد ضرورت از مؤسسه

آنهايي که ميگویند باید اطمینان داشته باشند اطمینان پیدا کنند این بودگتیم اگر بازادی پیدا شد (که البته خواهد شد) تمام آنها را سرمایه قرار بدهیم و جوه تقاعد برگردد بصندوق خودش و مؤسسه هم از خودش دارای یک سرمایه شده باشد باین جهت این ماده انشاء شد.

رئیس— آقای سخنبر چه میفرمائید؟

سخنبر— بسته بنظر مجلس است.

رئیس— رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده برخاستند)

رئیس— قابل توجه نشد، پیشنهاد های زیادی اینجا هست گمان میکنم وقت گذشته است بنابراین پیشنهادات میماند برای جلسه دیگر. خبریست از شعبه شش راجع بنمایندگی آقای آقامیرزا ابراهیم آشتیانی از خوار و ورامین. آقای ملک (احضار برای قرائت راپرت)

(در این موقع آقای آقامیرزا ابراهیم آشتیانی برای خروج از مجلس حرکت نمودند)

رئیس— خودتان تشریف نبرید که عده کسر میشود. رأی ندهید.

(راپرت شعبه ششم راجع بنمایندگی آقای آقامیرزا ابراهیم آشتیانی را آقای حاج حسن آقای ملک بشرح ذیل قرائت نمودند)

در تاریخ یکشنبه اول خرداد انجمن نظار مطابق ماده ۱۱ از طبقات شش گانه و معتمدین محل در اداره حکومتی ایوانکی تشکیل و اعضاء انجمن اصلی و علی‌البدل تعیین و هیئت رئیسه

منتخب ویس از آن شعبات فرعیه را مشخص و مدت توزیع تعرفه و اخذ آراء پنجروز از ۲۱ تیر لغایت ۲۵ معین نموده و در نتیجه آقای آقامیرزا ابراهیم آشتیانی با کثرت پنجاه و یکصد و نود و چهار رأی از کلیه اوراق توزیع شده که ده هزار و چهارصد و شصت و پنج رأی بوده حائز کثرت و شعبه تصدیق صحت انتخاب ایشان را بنمایند رئیس— رأی میگیریم بنمایندگی آقای آقا میرزا ابراهیم آشتیانی از خوار و ورامین، آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند. (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس— تصویب شد. آقای رفیع فرمایشی داشتید؟ حاج آقا رضا رفیع— بلی، عرض کنم واقعات اخیری که در بین النهرین اتفاق افتاده راجع باتباع ایران بنده خیری شنیده‌ام که قرار شده است از اشخاصی که در آنجا مقیم هستند از هر نفری پنجاه تومان سالیانه اخذ شود و این اسباب زحمت فوق‌العاده است برای سیصد هزار نفر جمعیتی که در آنجا هستند و علاقه دارند و نمیتوانند بیایند، مخصوصاً از مقام محترم ریاست تقاضا میکنم بدولت تذکر بدهند که در این خصوص یک اقدام سریعی فرمایند. وزیر مالیه— این خبر راپرتش تازه بمارسیده است و البته کمال توجه را دولت دارد و مشغولند که اقدامی بکنند که اسباب آسایش آنها فراهم گردد.

رئیس— جلسه آتیه روز یکشنبه آینده سه ساعت و نیم قبل از ظهر، دستور: اول خبر کمیسیون بودجه راجع بدو دوازدهم بعد هم بقیه این خبری که امروز مطرح بود. (مجلس تقریباً یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی— سید محمد تدین
منشی عبدالامیر
منشی